

بودند. شرکت حقوق تفنگچیان و سردهسته آنها را می‌پرداخت و سالی سه‌هزار لیره هم به‌ایلخانی می‌داد و پس از بسط و قدرت حکومت مرکزی در خوزستان هم، هرچند این ترتیب حفاظت از میان رفت، اما این سه‌هزار لیره به‌ایلخانی بختیاری پرداخته می‌شد (۶۳).

شرکت نفت بختیاری در ۱۹۲۴ میلادی منحل و ضمیمه نخستین شرکت استخراجی محدود گردید و دوازده‌هزار سهم خوانین بختیاری هم مبدل به ۳۷۳۳۰ سهم از سهام آن شرکت گشت (۶۴)، ولی ظاهراً برسر منافع این سهام همواره بین شرکت و بختیارها اختلاف بود. شرکت مدعی بود که سران بختیاری در تقسیم صحیح آن پول بین دیگران کوتاهی می‌کنند و بختیاری‌ها می‌گفتند که شرکت صمیمانه به‌قرارداد خود عمل نمی‌کند (۶۵).

در سال ۱۳۰۶ ش جعفرقلی خان اسعد پسر حاج‌علی‌قلی خان سردار-اسعد به‌لندن رفت و با گرو گذاردن سهام نفت بختیارها مبلغی در حدود ۱۶۰ هزار تومان از شرکت وام گرفت و در مقابل با شرکت قرارداد کرد که خوانین بختیاری حق فروش سهام خود را به‌هیچ‌یک از افراد ملل بجز ملل انگلیسی نژاد نداشته باشند (۶۶).

در سال ۱۳۱۲ ش قرارداد داریسی تجدید شد. انگلیس‌ها در قرارداد جدید این نکته را قید کردند که پس از خاتمه امتیازنامه، کلیه تأسیسات پالایشگاه نفت جنوب را به‌دولت ایران واگذار نمایند، اما همینکه قرارداد امضاء شد، خوانین بختیاری نسبت به این ماده اعتراض کردند، زیرا بشرحی که گفته شد شرکت نفت انگلیس و ایران از طریق شرکت نفت بختیاری

۶۳- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۱-۲۶۰.

۶۴- همان کتاب ص ۳۱۲ - در خواندنی‌ها شماره ۳۶ سال ۱۵ صفحه ۱۷ به‌بعد. تعداد سهام خوانین بختیاری را ۲۷۳۲۷ سهم ممتاز و غیرقابل انتقال نوشته‌اند.

۶۵- دو مرجع قبلی.

۶۶- خواندنی‌ها ش ۳۶ ص ۱۷ به‌بعد به‌نقل از تهران‌مصور.

با آنها قرارداد داشت که پس از خاتمه امتیاز، تأسیسات خود در مسجد-سلیمان را مجاناً به‌خوانین بختیاری واگذار نماید. بالاخره بین شرکت و سران بختیاری این طور موافقت شد که آنها از اعتراض خود صرف‌نظر کنند و شرکت هم سه‌هزار لیره پرداختی سالیانه خود به‌ایلخانی از بابت حفظ امنیت محلی را همچنان مرعی و محفوظ دارد و ادامه دهد (۶۷).

در اوایل سال ۱۳۱۵ به داور دستور داده شد که کلیه سهام بختیارها را وزارت دارائی خریداری کند. خوانین بختیاری که اغلب در آن وقت در زندان بودند، بمعیت افراد پلیس به‌محضر شماره ۲۵ شریف‌العلماء رفتند و سهام خود را به‌جهانگیر نماینده دولت فروختند. هنگامی که خبر انتقال سهام مزبور به‌لندن رسید، شرکت سابق قراردادی را که با جعفر-قلی خان اسعد منعقد کرده بود به‌دولت ایران اطلاع داد و انتقال سهام را از نظر شرکت بی‌اثر دانست... اما بالاخره میان دولت و شرکت توافق حاصل شد و وزارت دارائی هر سهم یک لیره‌ای خوانین بختیاری ر به‌ده لیره خریداری کرد و سهام را هم از گرو شرکت درآورد و مبلغ ریالی سهام مذکور پس از کسر ارقام زیر:

- ۱- طلب شرکت نفت بابت قرض جعفرقلی خان اسعد ۱۶۰ هزار تومان
  - ۲- مالیات دولت ایران بابت سود سهام ۶۰ هزار تومان
  - ۳- بابت خسارت قشون‌کشی سال ۱۳۰۱ دولت به‌خاک بختیارها تخمیناً ۳۰۰ هزار تومان
- بین ورثه سردار اسعد، صمصام‌السلطنه، سردار محتشم و امیر مفخم تقسیم نمودند (۶۸).

۶۷- همان مرجع قبلی پنجاه سال نفت ایران ص ۳۱۳.

۶۸- ماده واحده، به‌وزارت مالیه اجازه داده می‌شود از مبلغ ۶۰۹۹۳۶۰۷۵۷۲۷۲ ریال قیمت سهام بختیارها در شرکت استخراج اولی از شرکت‌های تابعه نفت انگلیس و ایران، انتقالی به‌دولت هر مبلغ که در سال ۱۳۱۵ تأدیه شده بپای اعتبارات تأسیسات اقتصادی عام‌المنفعه منظوره در بودجه ۱۳۱۵ محسوب و اعتبار بقیه را در بودجه سال ۱۳۱۶ تأمین نماید... (اطلاعات ۳۰۷۱، ۱۶، ۱۵، ۱۲، ۱۵ و این از لحاظ مبلغ با مطلب بالا خیلی اختلاف دارد.

پس از وقایع شهریور ۲۰ همینکه خوانین بختیاری آزاد شدند، به‌عنوان اینکه معامله سهام نفت از روی کره و اجبار بوده است، به آن اعتراض کردند و استشهادی به امضای وزرای دولت وقت و مأمورینی که در آن معامله شرکت داشتند و شریف‌العلماء سردفتر، دفتر ۲۵ رسانیدند و با اسناد و مدارک دیگر ضمیمه کرده به دادگستری عرضحال دادند (۶۹).

### خزعل و نفت:

خزعل نیز از شیوخ و سران خوزستان بود، از اینرو شرکت نفت در ماهه سال ۱۳۰۹ یعنی یک ماه پس از تأسیس شرکت بوسیله سرپرسی کاکس سرکنسول بریتانیا در بوشهر با خزعل وارد مذاکره شد (۷۰). وابتدا یک میل مربع از اراضی آبادان را برای ایجاد پالایشگاه از او اجاره نمود. مال‌الاجاره آن در ده سال اول سالی ۶۵۰ لیره بود که تمام آن نقد پرداخته شد. بعلاوه حق عبور لوله برای انتقال نفت و خرید حریم قابل کشتی‌رانی بر شرط العرب برای ایجاد پالایشگاه، انبار و مخازن از شیخ گرفته و در مقابل ده‌هزار لیره هم به‌عنوان قرض به‌شیخ داده شد. پس از ده سال مال‌الاجاره زمینهای پالایشگاه سالی ۱۵۰۰ لیره معین شده بود که بعداً تبدیل به یک مبلغی نقد گردید. و علاوه بر اینها به‌وجب قراردادی، حفاظت ناحیه آبادان را در مقابل مبلغی به‌او واگذار کرد (۷۱) و البته از این حفاظت غرض حفظ محوطه پالایشگاه از تجاوز متجاوزین محلی بود و گرنه خود شرکت از همان آغاز کار مأمورین امنیتی مخصوص داشت (۷۲). علاوه بر دو مورد فوق، خزعل از سهام داران عمده شرکت سابق بود و سه‌هزار سهم ممتاز شرکت را داشت که در همان سال ۱۳۱۵ سهام مزبور

۶۹- خواندنی‌ها ش ۳۶ س ۱۵ ص ۱۷ بدبعد.

۷۰- خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ ص ۱۷.

۷۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۱ و ۴۲۵.

۷۲- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۱ و ۴۲۵.

را نیز در محضر ۲۵ طهران بنام دولت از او خریدند، ولی گویا انگلیس‌ها به‌عنوان اینکه انتقال سهام ممتاز می‌بایستی در مرکز شرکت، در لندن صورت بگیرد از پرداخت سود سهام مزبور به دولت ایران خودداری کردند و این مبلغ برپانصد هزار لیره نیز بالغ شد (۷۳).

### سهام داران ایرانی دیگر:

علاوه بر سران بختیاری و خزعل عده‌ای دیگر از ایرانیان نیز در شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت‌های فرعی آن سهامی داشتند (۷۴) و هر سال معمولاً برابر سی درصد حق‌السهم دریافت می‌داشتند. سهام داران عمده عبارت بودند از:

ابراهیم قوام	۲۲۲۷ سهم
ورثه عباس آریا	۱۷۹۴ سهم
مهدی فرهودی حسابی	۱۶۴۹ سهم
ابرام ابراهیمیان	۱۰۰۰ سهم
محمد علی شیبانی	۱۰۰۰ سهم
مرتضی قزوینی	۱۰۰۰ سهم
چارلز ایگار	۸۰۲ سهم
جبرئیل بوداغیان	۷۰۸ سهم
علیرضا قراگوزلو	۷۰۰ سهم
محمود پور رضا	۵۳۷ سهم
زینت فتاحی	۴۹۹ سهم
حبیب‌الله شیبانی	۳۱۰ سهم

۷۳- خواندنی‌ها ش ۳۶ س ۱۵ ص ۱۷ بدبعد.

۷۴- بنا به نوشته اقبال آشتیانی از مجموع سهام شرکت محدود نفت انگلیس و ایران فقط ۷۷۵۴۰ لیره آن به‌تصرف ایرانی‌ها درآمد و بقیه ملك اعضای خارجی شرکت شد (کلیات جغرافیای اقتصادی ص ۱۹۱).

سهم ۳۰۰	حاج علی محمد هروی
سهم ۳۰۰	بانو نجابت کتابچی
سهم ۳۰۰	میرزا محمد تقی
سهم ۲۹۲	بزرگ کازرونی
سهم ۲۳۵	عباس اسکندری
سهم ۲۲۵	ورثه محمد نراقی
سهم ۲۰۰	خانم پری ارفع
سهم ۲۰۰	خانم ربیعۀ عبد
سهم ۱۹۸	کارو میناسیان
سهم ۱۹۷	محمدولی میرزا فرمانمائی
سهم ۱۵۰	مهدی مبصرالدوله
سهم ۱۴۵	فاطمه پیرنیا
سهم ۱۴۵	دکتر حسن ادهم
سهم ۱۴۵	جعفر اتحادیه
سهم ۱۱۲	علی قیصریه
سهم ۱۱۲	حسن مشار
سهم ۱۰۰	کیخسرو خداداد
سهم (۷۵) ۱۰۰	اردشیر اسفندیاری

علاوه بر اینها داری پس از آنکه اولین شرکت استخراجی محدود را تشکیل داد، سهامی معادل ده هزار لیره به اتابک و پنج هزار لیره به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله و پنج هزار لیره هم به نظام‌الدین خان - مهندس الممالک به عنوان تعارف داد و ظاهراً اتابک و مهندس الممالک آنها

را به قیمت نازلی به چند نفر از اتباع انگلیس (۷۶) مقیم طهران فروختند. ورثه مشیرالدوله یعنی حسن و حسین پیرنیا (مشیرالدوله و موتمن‌الملک) تا زنده بودند سود سهام خود را دریافت می‌داشتند، ولی گویا پس از فوت آن دو، قسمتی از سهام متعلق به آنها را ورثه‌شان فروختند (۷۷).

و باز اضافه بر این مجموع، یک عده ۱۲۴ نفری هم مقداری از سهام شرکت را داشتند که تعداد سهام هر یک از صد عدد کمتر بود (۷۸).

سهیم شدن دولت انگلیس در شرکت نفت:

در آغاز قرن بیستم که دنیا دوران صلح مسلح را می‌گذرانید و هر آن بیم برافروخته شدن آتش جنگ بود، دولت انگلیس تصمیم گرفت کشتی‌های جنگی جدیدی بسازد که نسبت به کشتی‌های مشغول خدمت سرعت بیشتری داشته باشد. برای اجرای این تصمیم چاره‌ای نبود که کشتی‌های جدید را طوری بسازند که با سوخت نفت کار کند. از اینرو دولت انگلیس مجبور شد برای بدست آوردن منابع نفتی مطمئن فکری بنماید. به این منظور کمیسیونی تشکیل داد که وظیفه آن این چنین بود که مسائل ذیل را بررسی نهوده نظر خود را اظهار کند.

۱- راه تحصیل نفت به نحو که میسر شود.

۲- به چه طریق می‌توان نفت را به قیمت ارزان و خرج کم انبار کرد.

۳- در زمان صلح چگونه می‌توان مرتباً نفت ارزان خرید.

۷۶- چرچیل در این باره گفته است «... از مدتی پیش دولت انگلستان.. مخصوصاً مراقبت نمود که کمپانی‌های خارجی سهام شرکت را خریداری نمایند...» و در همان موقع کنسول انگلیس در اصفهان مستر پیرس Peerec با مهارت تمامی سهام شرکت را که بین ایرانیان و حتی دولت ایران تقسیم شده بود، به‌بهای ارزانی خریداری نمود. نفت در دنیا - ایران ص ۹۱.

۷۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۵۴.

۷۸- خواندنی‌ها ش ۳۶ س ۱۵ ص ۱۷ به بعد.

۴- در موقع جنگ چگونه می‌توان بطور قطع نفت را بااطمینان خاطر بدست آورد.

این کمیسیون بریاست لرد فیشر که در آن موقع بازنشسته شده بود تشکیل شد. اما چرچیل که آن موقع وزیر دریاداری انگلیس بود، در کار عجله داشت و از اینرو با شرکت نفت انگلیس و ایران محدود وارد مذاکره شد تا قراردادی طولانی برای خرید نفت ایران منعقد نماید. زیرا مسلم شده بود که ایران دارای منابع نفت سرشار و از هر جهت قابل اطمینان است. شرکت تقاضای مبلغی مساعده کرد و چرچیل فوراً کمیته‌ای را تعیین کرد که به ایران آمده گزارشی در باب منابع نفتی ایران تهیه کند. این کمیته مرکب بود از دریاسالار «ادموند اسلید» (۷۹) معاون وزارت دریاداری که بعدها یکی از مدیران شرکت نفت ایران و انگلیس شد. «سرجان کدمن» استاد معدن‌شناسی دانشگاه بیرمنگهام و مشاور امور نفتی وزارت مستعمرات انگلیس که او نیز از سال ۱۹۲۵ رئیس هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران گردید. دو عضو دیگر که یکی زمین‌شناس معروفی بود و دیگر شخصی که سمت دبیری کمیته را داشت.

اعضاء این کمیته مسافرتی سه‌ماهه به ایران کردند و معادن نفت را بررسی نمودند و گزارشی به دولت خود دادند و منجمله پیشنهاد کردند که اگر قرار است پولی به شرکت داده شود، باید دولت در سیاست کلی شرکت دخیل باشد..

در همان سال شروع جنگ بین‌الملل اول، مجلس مبعوثان انگلیس قانونی وضع کرد و به دولت اجازه داد که قسمتی از سهام شرکت نفت ایران و انگلیس را خریداری نماید. بدنبال این قانون در تاریخ ۲۹ ج ۲-

۷۹ - Admiral Edmond Slade بنا به ضبط کتاب «گنج شایگان ص ۱۰۸ - اما ویلسون

در سفرنامه خود ص ۲۸۹ در همین زمان از دریا سالار سردوار اسلید Sir Edward Slade سخن می‌گوید. معلوم نیست که در ضبط اشتباه شده یا اینها دوتفر بوده‌اند.

۱۳۳۲ قراردادی بین دولت انگلیس و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود منعقد گردید که به‌وجب آن شرکت نفت منعقد شد که مقادیر عمده نفت سوخت را به‌قیمت نازلی به‌نیروی دریائی انگلستان بفروشد و نیز قرار شد که دو تن از مدیران شرکت نفت از طرف دولت انگلیس معین شوند، منتهی دراهور بازرگانی عادی شرکت دخالتی نداشته باشند و فقط وظیفه آنها این باشد که اگر امری مخالف مصالح دولت در شرکت پیش آید آن را رد کنند و نظر آنها پس از تصویب دولت قطعی شمرده شود. باین ترتیب دولت انگلستان دو میلیون سهام عادی شرکت و هزار سهم مرجح آن را خریداری کرد و اکثریت سهام را بدست آورد (۸۰).

#### یک داستان پلیسی ساختگی:

داستان سهیم شدن دولت انگلیس در شرکت نفت انگلیس و ایران محدود را که جریان اداری آن نوشته شد، نخستین بار تحت تأثیر رقابت شرکت‌های بزرگ نفت جهان و شاید به‌اشارة یکی از سرمایه‌داران بزرگ این رشته، در مجله «لاگراپویو» (۸۱) در پاریس بصورت یک افسانه پلیسی انتشار یافت.

بعداً این داستان در کتاب «جاسوسی انگلیسی» نقل شد که روزنامه شفق سرخ در تهران در شماره ۳۲۳۲-۱۸۹۱۱۹۱۱ مطابق ۹ دسامبر ۱۹۳۲ آنرا ترجمه و منتشر نمود (۸۲) و باز این داستان سال ۱۹۳۴ در کتاب «جنگ سری» تألیف «فرانگ هناین» (۸۳) طبع نیویورک ۱۹۳۴ نقل شد (۸۴) و پس از آن «آنتون زیشکا» (۸۵) روزنامه‌نگار چک آن را در

۸۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۳ و ۲۶۴ - جنگ نفت ص ۶۶ تا ۸۵.

81- La Grapouillot

۸۲ و ۸۴- جنگ نفت ص ۵۰ و ۵۱. این اسم در کتاب خاورمیانه نفت و قدرتهای بزرگ ص ۱۴۰ هنیگن خوانده شد.

83- The Secret War, by Franke Hanighen

85- Anton Zischka

کتاب «جنگ مخفی برای نفت» نقل نمود (۸۶) و یکی دوبار دیگر هم در مطبوعات ایران انعکاس یافت، ولی وقتی که در آن دقت می‌شود آشکار می‌گردد که داستان محصول تخیل و اختلاط قضایا در ذهن است که با احتمال کلی برای استفاده تبلیغاتی از آن در «جنگ نفت» (۸۷) ساخته و پرداخته و منتشر شده است و از آنجا که بنای رساله بر تحقیق است و جوه قابل اشکال آن را ذیلاً می‌نگارد و از مجموع آن حاصل داستان هم که بالنسبه مفصل است معلوم می‌شود. اشکالات وارده بر داستان از این قرار است:

۱- بیست سال قبل از جنگ بین‌الملل اول می‌شود ۱۳۱۲ هجری قمری و امتیازنامه داری در ۱۳۱۹ هفت سال بعد از آن صادر شده است.

۲- امتیاز را مظفرالدین‌شاه داد نه ناصرالدین‌شاه.

۳- اینکه در داستان نوشته شده «... شخص اول مملکت ... حتی یک بار هم بایکی از خارجی‌ها به‌عنوان خوش‌آمد دست‌نداد و با آنها تماس نگرفت ... ضمه غلط است. زیرا مظفرالدین‌شاه باتمام بی‌حالی‌ش سه‌سفر به اروپا رفت. پدرش نیز همچنین در مدت سلطنت خود سه‌بار به اروپا مسافرت کرده بود.

۴- اینکه نوشته شده است «... بین خارجیانی که وجب به‌وجب خاک ایران را کاوش و جستجو کرده، یک مهندس جوان استرالیائی بنام «ویلیام کنوت داری» با قیافه زرد و لاغر و خشکش بیش از دیگران جلب نظر می‌کرد...» شبیه است به عبارت «حسن و حسین سهدختران معاویه». زیرا اولاً داری مهندس نبوده. ثانیاً کلمه دوم او «ناکس Knox»

۸۶- ص ۱۰-۲۵.

۸۷- در آن موقع میان رکفلر سلطان نفت امریکا و «دتردینگ» معروف به «ناپلئون-نفت» مبارزه سختی در جریان بود.

است. ثالثاً چنانکه از عکس داری برمی‌آید (۸۸) چاق و چله و دارای صورتی گرد بوده است. رابعاً او اصلاً به ایران نیامده است که سالهای پرزحمتی را در بیابانهای خشک و سوزان ایران بسر برده و جنگهائی را برای یافتن نفت تحمل کرده باشد.

۵- داری زمین‌شناس نبود و مقداری تحصیلات حقوقی داشت (۸۹).

۶- اینکه در داستان نوشته شده است «... مجاور خلیج دالکی... زمین‌شناس دیگری بنام هتی (۹۰) نفت کشف کرده...» احتمال غلطبودن آن بیشتر است. چه اولاً خلیجی به اسم دالکی نداریم. بلکه محلی به این نام نزدیک بوشهر هست. ثانیاً از هتی و کشف آن در هیچ منبعی ذکر نشده است و به‌اغلب احتمالات این کلمه تصحیف هوتز (۹۱) است که تاجری هلندی بوده و زمین‌شناس نبوده و پیش از داری در زمان ناصرالدین‌شاه به شرحی که نوشته شد امتیاز کاوش و استخراج نفت حدود دالکی و بوشهر را گرفته بود و توفیقی هم نیافت یعنی نفتی کشف نکرد (۹۲).

۷- داری امتیاز هیچ خط آهنی از ایران نگرفته بود و اینهم احتمالاً اختلاطی است از امتیاز راه آهن تهران به حضرت عبدالعظیم که بوآتال گرفته بود با امتیاز پرارزش داری.

۸- شرکت نفت برمه پیش از امتیاز داری در اراضی جنوبی ایران دست بکار استخراج نفت نشده بود و در ذهن نویسنده با مسئله مشارکت داری با شرکت نفت برمه اختلاطی روی داده است.

۸۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۵۱ مگر آنکه فرض شود یک وقتی لاغر بوده است.

۸۹- خواندنی‌ها ش ۵۲۷ ص ۱۵.

90- Hoty

91- Hotz

۹۲- نشریه وزارت امور خارجه دوره دوم ش ۹ ص ۹۷.

۹- اینکه در داستان آمده است که «... تا به امروز شاهنشاه ایران اجازه ورود به هیچیک از میسیونرهای انگلیسی نداده...» اشتباه است. از زمان فتحعلی شاه کشیش‌های انگلیسی به ایران می‌آمدند و کتاب نوشته‌اند و محاسبه می‌کرده‌اند که از همه آنها معروف‌تر «هنری مارتین» است که داستان مفصلی دارد.

۱۰- داریسی از تمام حقوقی که بموجب فرمان ... داشت ... صرف- نظر نکرد و او تا سال ۱۹۱۷ که زنده بود عضو هیئت مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران محدود بود.

۱۱- در پایان داستان آمده است که این راز مهم از طرف آمریکائی‌ها کشف و فاش شده است، منتهی بصورتی که جز نویسنده کتاب (انتوان زیشکا) کسی دیگر نمی‌داند و جریان آن این بوده است که: دونفر پیشخدمت کمپانی «استاندارد اویل» امریکا بنام «چارلز اسمیت» (۹۳) و «ویلیام وینکفیلد» (۹۴) به کشو میز معاون کمپانی دست می‌یابند و با یکی از روزنامه‌های متعلق به مؤسسه مطبوعاتی «هرست» (۹۵) قرارداد می‌بندند که از اسناد این کمپانی عکس گرفته به روزنامه بدهند و در ضمن این اسناد نامه جاسوس انگلیسی رباینده امتیازنامه داریسی بدست آنها می‌افتد که متضمن «... تمام ارقام و تفصیلات جالبی در خصوص تشکیل شرکت نفت انگلیس و ایران بوده است...» و علت نوشتن این نامه هم آن بوده است که این جاسوس یعنی «سیدنی ریلی» (۹۶) یا «روزون- بلوم» (۹۷) گویا از دستمزدی که انتلیجنت سرویس در مقابل ربودن فرمان شاه ایران به او می‌داده راضی نبوده و می‌خواسته است اطلاعات خود را، و شاید اسنادی را - در اختیار شرکت استاندارد اویل بگذارد و معاون آن شرکت نپذیرفته است، اما این دو پیشخدمت نامه سیدنی ریلی به معاون کمپانی استاندارد اویل را به روزنامه امریکائی ندادند و به امید

93- Charles Stump

95- Hearst

97- Rosen blum

94- William Winkfield

96- Sidney Reilly

سود بیشتر به اروپا بردند، ولی در آنجا هم آنرا انتشار ندادند و به فکر افتادند که آن نامه را به وزارت دریاداری انگلستان یا انتلیجنت سرویس بفروشد، ولی موفق نشدند و چون از طرف شرکت استاندارد سخت تحت تعقیب بودند، انجام کار خود را به وقت مناسب‌تری موکول کردند. در این صورت نامه سیدنی ریلی یا روزون بلوم بیپوده و عبث مانده از خاطرها محو گردید و فقط یکی از نزدیکان یکی از آن دو پیشخدمت موفق شد یک نسخه از آن را بدست آورده برای خود نگاه دارد و رفته‌رفته بعد از ناپدید شدن سیدنی ریلی و گذشتن مدت زیادی از زمان تشکیل شرکت نفت انگلیس و ایران محدود این سند دیگر ارزش خود را از دست داد، اما «انتوان زیشکا» این مطلب را «... بطور غیرمستقیم از معاون استاندارد اویل یعنی «جان ارکبولد» (۹۸) شنیده است...»

۱۲- و از همه مهمتر اینکه اگر اسرار جاسوسی انگلستان به این آسانی دست بدست می‌گشت، اکنون نمی‌بایست نامی از این دولت در جهان مانده باشد.

از مجموع مطالب چنین برمی‌آید که احتمالاً کمپانی استاندارد اویل در مقام رقابت با شرکت نفت انگلیس و ایران محدود و در موقعی که صحبت از تخلفات شرکت و لغو امتیازنامه و امثال این مسائل بوده است، برای اینکه شرکت را منغور و اساس آن را برپایه جاسوسی و غصب معرفی کند این داستان را به ذهن روزنامه‌نویس‌ها انداخته است و آنها هم آن را ساخته و پرداخته‌اند و حتی برسبیل احتمال می‌توان گفت که نسبت زهد و دین‌داری زیاد هم که به داریسی داده شده است، ملهم از خصوصیات اخلاقی «جان راکفلر» (۹۹) رئیس شرکت استاندارد اویل بوده است که مردی مذهبی بوده است. قابل ذکر است که نام آرمیناژ اسمیت (۱۰۰) مستشار انگلیسی هم که بموجب قرارداد ۱۹۱۹ برای امور

98- John Archbold

100- Sir Sidney Armitage - Smith

99- John Davson Rockefeller

مالیه ایران استخدام شد و بعدها در کار نفت مداخلات بسیار کرد. «سیدنی» بوده است و نام روزون بلوم هم اهل اطلاع را بیاد لئون بلوم سیاستمدار یهودی و رئیس جبهه توده فرانسه می اندازد که در آن ایام معروفیت بسیار داشت و به ریاست وزرائی فرانسه هم رسید.

### میزان استخراج نفت :

آمار مربوط به عملیات شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، در ایران در منابع مختلف به صورتهای مختلف ذکر شده است. ارقام ذیل چنانکه ملاحظه می شود از مجله بانک ملی ایران (۱۰۱). کتاب پنجاه سال نفت ایران (۱۰۲). جغرافیای اقتصادی مسعود کیهان و اقبال (۱۰۳) اقتباس شده است و هر سه باهم تفاوت دارد، ولی آمار مندرج در کتاب «خاورمیانه، نفت و قدرت های بزرگ» با ستون سوم:

سال	میزان استخراج به تن	میزان استخراج به تن	میزان استخراج به تن
۱۹۱۲	۴۳۰۸۴	۴۳۰۰۰	۴۳۷۷۵
۱۹۱۳	۸۰۸۰۰	۸۳۰۰۰	۸۲۰۹۷
۱۹۱۴	۲۷۳۶۳۵	۲۷۴۰۰۰	۲۷۸۰۲۶
۱۹۱۵	۳۷۵۹۷۷	۳۷۶۰۰۰	۳۸۲۰۱۰

۱۰۱- ش ۱۱۱ ص ۲۷۷.

۱۰۲- سه قلم اول ص ۲۶۲ - شش قلم بعد ص ۲۷۳ - پنج قلم بعدتر ص ۲۸۰ - هشت قلم پس از آن ص ۲۸۱ - دوازده قلم ماقبل آخر ص ۳۰۷ و شش قلم آخر ص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۱۰۳- نوزده قلم اول از جغرافیای کیهان ص ۲۵۲ و چهار قلم آخر از جغرافیای اقبال ص

۱۹۳

سال	میزان استخراج به تن	میزان استخراج به تن	میزان استخراج به تن
۱۹۱۶	۴۵۶۵۰۶	۴۴۹۰۰۰	۴۴۹۳۹۴
۱۹۱۷	۶۵۴۴۰۹	۶۴۴۰۰۰	۶۴۴۰۷۴
۱۹۱۸	۹۱۱۸۰۳	۷۹۷۰۰۰	۸۹۷۴۰۲
۱۹۱۹	۱۱۲۴۱۷۰	۱۱۰۶۰۰۰	۱۱۰۶۴۱۵
۱۹۲۰	۱۴۰۷۵۳۱	۱۳۸۵۰۰۰	۱۳۸۵۳۰۱
۱۹۲۱	۱۷۷۱۵۳۶	۱۷۴۳۰۰۰	۱۷۴۳۵۵۷
۱۹۲۲	۲۳۵۴۵۶۶	۲۳۳۷۰۰۰	۲۳۳۷۲۲۱
۱۹۲۳	۳۰۰۶۵۱۱	۲۹۵۹۰۰۰	۲۹۵۹۰۲۸
۱۹۲۴	۳۷۷۳۸۱۸	۳۷۱۴۰۰۰	۳۷۱۴۲۱۶
۱۹۲۵	۴۴۰۳۴۸۰	۴۳۳۴۰۰۰	۴۳۳۳۹۹۳
۱۹۲۶	۴۶۲۹۲۷۰	۴۵۵۶۰۰۰	۴۵۵۶۱۵۷
۱۹۲۷	۴۹۰۹۳۳۶	۴۸۳۲۰۰۰	۴۸۳۱۸۰۰
۱۹۲۸	۵۴۴۳۷۷۷	۵۳۵۸۰۰۰	۵۳۵۷۸۰۰
۱۹۲۹	۵۸۰۸۸۷۴	۵۴۶۱۰۰۰	۵۴۶۰۹۵۵
۱۹۳۰	۶۳۷۷۶۰۸	۵۹۲۹۰۰۰	۵۹۳۹۳۰۲
۱۹۳۱	۶۶۱۶۳۵۶	۶۵۰۰۰۰ (۱۰۴)	۶۵۰۰۰۰
۱۹۳۲	۶۸۷۸۹۷۳	۶۴۴۶۰۰۰	۶۴۴۵۸۰۸
۱۹۳۳	۸۱۷۱۹۹۸	۷۰۸۷۰۰۰	۷۰۸۶۷۰۶
۱۹۳۴	۸۴۵۵۰۷۳	۷۵۳۷۰۰۰	۷۵۳۷۳۷۲
۱۹۳۵	۸۷۴۱۴۰۰	۷۴۸۸۰۰۰ (۱۰۵)	۷۴۸۷۶۹۷
۱۹۳۶	۸۹۱۵۷۲۱	۸۱۹۸۰۰۰	۸۱۹۸۱۱۹

۱۰۴- در کتاب «خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ» عدد ۵۰۰ و ۸۰۸ رقم بعد را ندارد.

۱۰۵- از این رقم به پائین از کتاب مزبور استفاده شده است.

۱۰۱۶۷۷۹۵	۱۰۱۶۸۰۰۰	۱۱۲۲۹۱۹۵	۱۹۳۷
۱۰۱۹۵۳۷۱	۱۰۱۹۵۰۰۰	۱۱۲۸۰۶۹۵	۱۹۳۸
۹۵۸۳۸۲۶	۹۵۸۳۰۰۰	۱۱۳۳۷۲۱۵	۱۹۳۹
۸۶۲۶۶۳۹	۸۶۲۷۰۰۰	۱۰۴۴۵۰۳۰	۱۹۴۰
۶۶۰۵۳۳۰	۶۶۰۵۰۰۰	۸۷۴۱۵۶۴	۱۹۴۱
۹۳۹۹۲۳۱	۹۳۹۹۰۰۰	۱۱۸۸۴۲۷۲	۱۹۴۲
۹۷۰۵۷۶۹	۹۷۰۶۰۰۰	۱۲۵۱۳۹۱۷	۱۹۴۳
۱۳۲۷۴۲۴۳	۱۳۲۷۴۰۰۰	۱۵۲۶۵۶۳۱	۱۹۴۴
۱۶۸۳۹۴۹۰	۱۶۸۳۹۰۰۰	۱۸۳۱۰۸۹۸	۱۹۴۵
۱۹۱۸۹۵۵۱	۱۹۱۹۰۰۰	۱۹۸۵۸۴۷۱	۱۹۴۶
۲۰۱۹۴۸۳۶	۲۰۱۹۵۰۰۰	۲۱۷۳۷۹۴۹	۱۹۴۷
۲۴۸۷۱۰۵۸	۲۴۸۷۱۰۰۰	۲۶۰۲۵۲۱۱	۱۹۴۸
۲۶۸۰۶۵۶۴	۲۶۸۰۷۰۰۰	۲۸۲۵۰۹۳۸	۱۹۴۹
۳۱۷۵۰۱۴۷	۳۱۷۵۰۰۰۰	۳۲۴۵۸۳۳۱	۱۹۵۰
	۱۶۱۷۷۰۰۰		۱۹۵۱

(ژانویه تا اوت).

میزان حق الامتیاز دولت :

بموجب فصل چهارم نامه داری صاحب امتیاز می بایست علاوه بر صدی شانزده منافع خالص خود، همه ساله دو هزار تومان بابت عایدی سالیانه معادن نفت شوستر و قصر شیرین و دالکی و بندر بوشهر که در زمان امضاء امتیاز دائر بوده است، به دولت بپردازد. بعلاوه به موجب فصل دهم امتیازنامه «شرکت نفت» و تمام شرکت‌هایی که ایجاد می نمود موظف بودند که از منافع خالص سالیانه خود صدی شانزده سال به سال به دولت

ایران کارسازی نمایند. بیست هزار سهم از نخستین «شرکت استخراجی» را نیز دولت ایران دارا بود که منافع سالیانه آن می بایست به دولت ایران پرداخته شود. میزان وجوهی که بین سالهای ۱۹۱۳ و ۱۹۳۰ از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران محدود به دولت ایران پرداخته شد، بر حسب آمار مندرج در کتاب «نفت» تألیف مهندس ابراهیم همایون فر (۱۰۶) پنجاه سال نفت ایران مصطفی فاتح (۱۰۷) و جغرافیای اقتصادی کیهان (۱۰۸) از این قرار است:

سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ بنابر دو سند اخیر یعنی کتاب فاتح و جغرافیا ۱۳۲۵۵۵۲ لیره (۱۰۹) نسبت به سالهای بعد چون اختلافی مشاهده می شود هر سالی علیحده نوشته و ضمناً آمار مندرج در کتاب تألیف مهندس ابراهیم همایون فر بلافاصله بعد از سالها اضافه می شود و در کتاب «خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ» هم ارقام با کتاب همایون فر مطابقت دارد. در کتاب نفت و جغرافیای اقتصادی کیهان ابتدای سالها از ۱۹۲۰ گرفته شده است از اینقرار:

کتاب نفت	کتاب مصطفی فاتح	کتاب جغرافیای اقتصادی کیهان	سال
لیره	لیره	لیره	
۴۶۹۰۰۰	علیحده ذکر نشده	۴۶۸۷۱۸	۱۹۲۰
۵۸۵۰۰۰	۴۶۸۷۱۸	۵۸۵۲۸۹	۱۹۲۱

۱۰۶- نفت در دنیا - ایران ص ۲۸ ارقام تا ۱۹۳۱ مطابق است با ارقام مندرج در کتاب طلای سیاه یا بلای ایران، تألیف مرحوم ابوالفضل لسانی ص ۱۴۲.  
۱۰۷- تا سال ۱۹۳۱ ص ۲۹۱ پنجاه سال نفت ایران و از ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ ص ۳۱۲ و بقیه ص ۳۱۴ آن کتاب.

۱۰۸- جغرافیای مفصل ایران ج ۳ ص ۲۵۲.

۱۰۹- این رقم در مرجع اخیر تا سال ۱۹۱۹ است و در کتاب «خاورمیانه نفت و قدرتهای بزرگ» ۱۳۲۶۰۰۰.



۱۹۲۲	۵۹۳۰۰۰۰	۵۸۵۰۲۸۹	۶۲۴۲۰۰۰
۱۹۲۳	۵۳۳۰۰۰۰	۶۲۴۰۰۰۰	۵۶۶۷۴۴
۱۹۲۴	۴۱۱۰۰۰۰	۴۶۶۷۴۴	۳۲۷۰۵۲۳
۱۹۲۵	۸۳۱۰۰۰۰	۳۲۷۰۵۲۳	(۱۱۰)۸۲۹۰۰۰۰
۱۹۲۶	۱۰۰۵۴۰۰۰۰	۷۲۸۷۷۸	۱۰۰۵۴۰۰۰۰
۱۹۲۷	۱۰۴۰۰۰۰۰۰	۱۰۴۱۲۰۰۰۰	۱۰۳۴۲۰۰۰۰
۱۹۲۸	۱۰۳۱۰۰۰۰۰	۵۰۳۰۰۰۰۰	
۱۹۲۸	در دوورقه پرداخته شده است	۵۰۹۰۰۰۰۰	۵۲۳۸۱۳
۱۹۲۹	۱۰۴۳۷۰۰۰۰	۱۰۳۴۱۰۰۰۰	۱۰۴۵۰۰۷۵۲
۱۹۳۰	۱۰۲۸۸۰۰۰۰	۱۰۲۸۸۰۰۰۰	۱۰۳۲۳۰۶۷۹
۱۹۳۱	۱۰۳۰۷۰۰۰۰۰	۱۰۳۰۷۰۰۰۰۰	(۱۱۱)۳۰۷۰۰۰۰۰

در سال ۱۹۳۲ موضوع لغو امتیاز داری و بستن قرارداد مجدد پیش آمد. میزان حق الامتیاز آن سال را در جایی نیافتیم جز در کتاب نفت تألیف مهندس ابراهیم همایون فرکه آنرا در حدود یک میلیون لیره نوشته است و در کتاب «خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ» ۱۰۵۲۵۳۸۳ و «کلیات جغرافیای اقتصادی» چاپ سال ۱۳۲۵ ص ۱۹۳ آمار ذیل را در بر دارد:

۱۱۰- این رقم در اطلاعات ۱۱۸۷۸، ۱۹۰۱۹، ۴۴۱۰۱۹ ستول چهل سال قبل ۷۲۸۷۷۸ لیره ذکر شده و رقم زیر آن ۹۷۴۸۲۳ لیره و بقیه ارقام پنجگانه با جغرافیای کیهان مساوی است و جمع کل درآمد از ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۶ در مدت ۱۴ سال ۶۰۱۶۲۷ لیره.

۱۱۱- بنابر کتاب «خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ» ۱۳۳۹۱۳۲ که حاصل تعدیلی بوده است که بموجب قرارداد ۱۹۳۳ بعمل آمد، مبلغ اصلی همان ۳۰۷۰۰۰ لیره بوده است.

کتاب جغرافیای اقتصادی  
به لیره

سال	۱۹۲۹	۱۹۳۰	۱۹۳۱	۱۹۳۲	۱۹۳۳	۱۹۳۴
کتاب جغرافیای اقتصادی به لیره	۱۰۴۷۸۸۹۳	۱۰۳۲۳۰۶۷۹	۱۰۳۱۷۸۱۷	۱۰۵۰۲۷۷۸	۱۰۷۸۵۰۱۳	۲۰۱۵۹۱۴۳

از ۱۹۳۳ به بعد آمار حق الامتیاز بر اساس کتاب مزبور یعنی کتاب نفت تألیف همایون فر، کتاب خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، کتاب فاتح، و مجله بانک ملی ایران (۱۱۲) نقل می شود:

سال	کتاب نفت به لیره	کتاب فاتح به لیره	کتاب خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ به لیره
۱۹۳۳	۱۰۷۸۵۰۰۰۰	۱۰۷۸۵۰۰۰۰	۱۰۸۱۲۰۴۴۲
۱۹۳۴	۲۰۱۵۹۰۰۰۰	۲۰۱۵۹۰۰۰۰	۲۰۱۸۹۰۸۵۳
۱۹۳۵	۲۰۱۹۱۰۰۰۰	۲۰۱۹۲۰۰۰۰	۲۰۲۲۰۰۶۴۸
۱۹۳۶	۲۰۸۲۸۰۰۰۰	۲۰۸۲۹۰۱۹۸	۲۰۵۸۰۰۲۰۶
۱۹۳۷	۳۰۴۴۴۰۰۰۰	۳۰۴۴۵۰۰۰۰	۳۰۵۴۵۰۳۱۳
۱۹۳۸	۳۰۳۰۷۰۰۰۰	۳۰۳۰۷۰۰۰۰	۳۰۳۰۷۰۴۷۹
۱۹۳۹	۲۰۷۷۰۰۰۰۰	۲۰۳۱۵۰۰۰۰	۲۰۲۷۰۰۸۱۴
۱۹۴۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۹۴۱	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۹۴۲	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰
۱۹۴۳	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰۰

۱۹۴۴	۴ر+++ر+++	۴ر۵۲۴ر+++	۴ر۴۶۴ر۴۳۸
۱۹۴۵	۵ر۶۲۸ر+++	۵ر۶۲۴ر۳۰۸	۵ر۶۲۴ر۳۰۸
۱۹۴۶	۷ر۱۸۵ر+++	۷ر۱۳۱ر۶۶۹	۷ر۱۳۱ر۶۶۹
۱۹۴۷	۷ر۱۵۷ر+++	۷ر۱۰۱ر۲۵۱	۷ر۱۰۱ر۲۵۱
۱۹۴۸	۹ر۱۷۲ر+++	۹ر۱۷۲ر۲۶۹	۹ر۱۷۲ر۲۶۹
۱۹۴۹	۱۳ر۵۴۵ر+++	۱۳ر۴۸۹ر۲۷۱	۱۳ر۴۸۹ر۲۷۱
۱۹۵۰		۱۶ر۰۳۱ر۷۳۵	۱۶ر۰۳۱ر۷۳۵

در کتاب «صنعت نفت ایران - شرح پیدایش و پیشرفت آن» که در سال ۱۳۰۶ شمسی از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران، در ایران و لندن انتشار یافته در ص ۳۲ ذکر شده است که: «... در سنه ۱۲۹۲ شمسی حق السهم دولت ایران بابت عواید نفت ۲۰۹۸ لیبره [بود] و در سنه مالی که ختم آن دهم فروردین ۱۳۰۵ است حق السهم مزبور به ۹۷۴۸۲۳۳ لیبره بالغ گردید. مجموع مبلغی که از سنه ۱۲۹۲ تا ۱۳۰۵ بابت حق السهم دولت پرداخته شده ۲۵۶ر۹۶۰ لیبره بوده است.

ناگفته نماند که پس از تجدید امتیاز، شرایط میزان پرداخت حق الامتیاز بصورت ذیل درآمد:

الف - حق الامتیاز سالیانه که از اول ژانویه ۱۹۳۳ شروع می شد چهار شیلینگ برای هر تن نفتی که برای مصرف داخلی در ایران به فروش برسد یا از ایران صادر شود.

ب - پرداخت مبلغی معادل ۲۰ درصد آنچه اضافه بر ۶۷۱۲۵۰ لیبره به صاحبان سهام عادی کمپانی نفت انگلیس و ایران محدود توزیع می گردد... مجموع مبلغ این دو ماده نمی بایست هرگز از ۷۵۰ر+++ لیبره - استرلینگ کمتر باشد (۱۱۳).

موضوع فروش نفت در داخله، پس از تجدید امتیاز پیش آمد و شرکت نفت بر طبق مدلول ماده نهم قرارداد یک شرکت فرعی بنام «شرکت

نفت کرمانشاه» تشکیل داد و چندماه پس از امضای قرارداد، عملیات مربوط به این شرکت را آغاز کرد، چه از ۱۹۲۳ مسلم شده بود که منطقه کرمانشاه [باختران] دارای نفت است و از ۱۹۲۸ چاهی که در «نفت شاه» کنده شده بود، به نفت رسیده بود. همین نفت با یک خط لوله به کرمانشاه انتقال داده شد و پالایشگاه کوچکی در کنار رودخانه «قره سو» تأسیس گشت که ظرفیت تصفیه یکصد هزار تن نفت در سال را داشت (۱۱۴).

در شهرهای مهم انبارهای نفت ساخته شد که نفت بوسیله نفتکش های بزرگ بدان جاها حمل می شد تا برای فروش حاضر باشد. اما به چه قیمتی؟ به قیمت خلیج مکزیک (۱۱۵) یا رومانی، هر کدام ارزانتر اعلام شده بود، نه به قیمت تمام شده در ایران. یعنی مثلاً مصرف کننده همدانی می بایست نفت را به قیمت خلیج مکزیک یا رومانی با تخفیف ۱۰ درصد بخرد، نه به قیمتی که در منطقه همسایه اش یعنی کرمانشاه تمام و به بازار وارد می شد. بنابر ماده ۱۹ قرارداد نفت مصرفی دستگاه های دولتی با ۲۵ درصد تخفیف و نفت مصرفی مردم با ۱۰ درصد تخفیف فروخته می شد. حال توجه فرمائید که قیمت نفت خلیج مکزیک بر اساس هزینه های هنگفت استخراج و تصفیه و دستمزد سنگین کارگر و سود بازرگانی و هر نوع هزینه و سود دیگر به ماخذ آمریکا برآورد و اعلام می شود، در حالی که در ایران آن هم پیش از شهریور ۱۳۲۰ هیچ یک از ارقام هزینه به پایه آمریکا نمی رسید و متناسباً هرگز نمی رسد و شاید در مواردی نصف و ثلث آن هم نمی بود و نمی باشد و اگر فرضاً حمل و نقل با تانکر گران تر از حمل و نقل با لوله است، در عوض دستمزد کارگر در ایران بسیار کمتر از آمریکاست. قیمت اعلام شده در رومانی هم در هر حال از قیمت تمام شده در ایران بیشتر بود و اما

۱۱۴ - پنجاه سال نفت ایران ص ۳۰۸.

۱۱۵ - نفت و کشورهای بزرگ جهان ص ۹۲ ... و به این می ماند که نفت در آمریکا تولید شده و از خلیج مکزیک به بازار مصرف حمل شده است ... و نیز ص ۱۱۷ همان کتاب.

مسئله تخفیف این را هم وقتی با تخفیف شرکت برای مصرف نفت وزارت دریاداری انگلیس مقایسه کنیم می بینیم که کمک با ارزش و معتبری به دولت و ملت ایران نمی شده است.

اینک آمار فروش نفت در ایران به تن متریک بنا به مندرجات شماره ۱۱۱ مجله بانک ملی ایران خرداد ۱۳۳۰ ص ۲۷۸ و همچنین مقدار نفت صادر شده از ایران و میزان مالیات شرکت نفت به دولت های انگلیس و ایران:

سال	انگلیس	ایران
۱۹۳۳	۳۰۵۴۱۸	۲۷۴۴۱۲
۱۹۳۴	۵۱۱۷۳۳	۳۰۱۱۳۵
۱۹۳۵	۴۰۸۶۳۵	۲۰۱۱۶۶
۱۹۳۶	۶۱۰۵۵۹	۳۲۸۵۲۴
۱۹۳۷	۱۶۵۱۵۸۸	۳۶۲۷۳۴
۱۹۳۸	۱۱۷۵۰۲۹	۳۷۸۴۹۴
۱۹۳۹	۱۹۵۵۶۰۶	۴۶۶۲۰۴
۱۹۴۰	۲۹۷۱۵۶	۴۶۰۱۱۸
۱۹۴۱	۲۹۲۰۶۸۲	۵۶۸۶۶۷
۱۹۴۲	۴۹۱۷۸۴۶	۴۵۴۱۶۸
۱۹۴۳	۲۷۹۸۷۶۴	۶۰۶۹۴۸
۱۹۴۴	۲۷۵۶۴۵۷	۵۱۴۷۲۵
۱۹۴۵	۲۸۰۵۵۶۴	۴۴۶۶۴۴
۱۹۴۶	۲۹۷۹۲۴۱	۷۶۸۵۹۹
۱۹۴۷	۱۵۲۶۶۶۶۵	۷۶۵۴۰۵

بعلاوه در سالهای ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۶ هم به این نرخ مالیات اضافه درآمد به دولت انگلیس پرداخته و به ایران نپرداخته است.

۱۹۴۳	۸۶۴۰۰۰
۱۹۴۴	۷۸۸۰۰۰۰
۱۹۴۵	۷۸۷۵۸۰۰۰
۱۹۴۶	(۱۱۶)۷۳۰۰۰۰۰

فروش سال	مقدار فروش در داخله به تن
۱۹۳۳	۶۰۶۰۳
۱۹۳۴	۸۳۲۰۵
۱۹۳۵	۹۶۳۰۶
۱۹۳۶	۱۲۷۷۱۹
۱۹۳۷	۱۵۳۲۴۳
۱۹۳۸	۱۶۴۷۴۲
۱۹۳۹	۲۳۵۱۹۳
۱۹۴۰	۲۷۸۲۱۵
۱۹۴۱	۲۶۹۳۲۳
۱۹۴۲	۳۸۷۸۰۸
۱۹۴۳	۷۱۶۴۷۱
۱۹۴۴	۱۲۲۶۶۴۹۵
۱۹۴۵	۸۴۲۴۲۳
۱۹۴۶	۴۹۳۷۹۰
۱۹۴۷	۶۰۳۵۵۹
۱۹۴۸	۷۰۱۴۵۸

فارس سفلی می‌رسد، از این قرار تفاوت بین شمال و جنوب آن هزار ذرع است. این کیفیت باعث شد که حفر چاه در ناحیه مزبور بسیار سهل و استخراج نفت آسان باشد (۱۱۷). امتیاز عمده معادن این ناحیه از سایر معادن نفت معروف دنیا، از قبیل معادن نفت امریکا و مکزیک و روسیه در دو چیز بود، یکی مرتب بودن میزان محصول، دیگر فشار زیاد گازی که مدام در آن دیده می‌شود. نفت این معادن در سنگهای متخلخل و مسام‌دار ذخیره شده برخلاف غالب معادن دیگر در قشرهای ریگی قرار نگرفته و علیهذا قوام دوام مخزن آن بالنسبه بیشتر می‌باشد... در اینجا اغلب چاههای بزرگ به اتمام می‌رسد بدون آنکه حتی يك من نفت هم از میان برود... و از نظر صرفه‌جوئی و اقتصاد هم معادن نفت ایران نمونه برجسته‌ای بشمار می‌آید...» (۱۱۸)

در گزارشی که یکی از مدیران کل شرکت نفت به مجمع عمومی شرکاء داده است ذکر شده است که: بدون هیچ شبهه و تردیدی نظیر این معادن از حیث وسعت و از حیث مولد بودن در هیچ‌جای دنیا یافت نمی‌شود. فقط گاهی که توأمأ همه روزه با نفت خارج می‌شود بیش از ۱۴ میلیون متر مکعب است (۱۱۹). «سرچ - ت - کارجیل رئیس شرکت نفت برمه در اولین جلسه عمومی کمپانی نفت انگلیس و ایران در خطابه افتتاحیه خود گفت «سیاست آنها نه تنها برای کمپانی نفت برمه يك قسمت وسیعی از معادن بهترین و غنی‌ترین نفت دنیا را بدست آورده است که در عالم بی نظیر می‌باشد، بلکه برای ممالک امپراطوری انگلستان يك منبع قابل اطمینان تحصیل نموده است که طولی نمی‌کشد که ثابت خواهد شد که برای

۱۱۷- مجله فلاح و تجارت ش ۲۳ و ۲۴ ص ۴۷۳.

۱۱۸- صنعت نفت ایران ص ۹.

۱۱۹- جغرافیای اقتصادی کیهان ص ۳۵۰.

### مقدار و ارزش نفت صادر شده

سال	مقدار نفت صادر شده به تن	ارزش نفت صادر شده به ۱۰۰۰ ریال
۱۹۴۹	۸۲۸۱۷۲	
۱۹۵۰	۸۸۴۱۸۶	
۱۳۱۸	۸۲۶۶۰۷۹	۱۰۶۰۰۶۵
۱۳۱۹	۷۰۳۲۳۳۱	۱۰۳۱۳۵۹۱
۱۳۲۰	۴۹۹۴۳۳۹	۱۰۱۱۳۳۷
۱۳۲۱	۸۸۱۷۷۷۶۵	۳۴۸۲۶۷۱
۱۳۲۲	۸۴۳۶۰۴۶	۳۲۷۷۵۲۵
۱۳۲۳	۱۰۱۰۷۲۸۶	۳۹۱۷۷۷۲
۱۳۲۴	۱۴۹۵۷۵۵۳	۵۶۱۱۶۹۷
۱۳۲۵	۱۷۹۲۷۹۲۲	۸۰۴۹۲۶۷
۱۳۲۶	۱۷۹۱۳۱۶۱	۹۹۹۳۲۰۳
۱۳۲۷	۲۰۱۸۴۹۴۸	۱۷۱۴۰۰۶۳
۱۳۲۸	۲۱۵۰۷۳۲۱	۱۵۳۰۹۳۴۸
۱۳۲۹	۳۰۸۴۶۵۰۹	۲۲۱۸۴۴۰۲

### چگونگی معادن نفت شرکت :

مهمترین معدن نفت که مایه امیدواری داری و تأسیس شرکت نفت گردید، در میدان نفتون در خاک بختیاری و در شمال غربی فارس واقع بود. این منطقه نفتی در میان جلگه کوچکی واقع شده که شمال آن بسیار مرتفع و از سطح متوسط قسمت فارس علیا سیصد ذرع بلندتر است. این ارتفاع به تدریج کم می‌شود تا به سیصد ذرع پائین‌تر از سطح متوسط قسمت

ملت انگلیس فوق‌العاده ذی‌قیمت و مفید می‌باشد...» و بدنبال آن آنتون-موهر استاد دانشگاه اسلو مؤلف کتاب «جنگ نفت» می‌گوید که چاههای عدیده که تا حال در این قسمت از خاک ایران حفر شده بخوبی ثابت نموده است که منابع نفت آنها بطور کلی فوق‌العاده حاصل‌خیز می‌باشد که برخلاف چاههای نفت آمریکا و مکزیک، تا امروز در چاههای نفت ایران هیچ نوع نقصانی روی نداده است... علاوه از حیث مرغوبی نیز نفت ایران بر نفت معادن دنیا برتری دارد، مخصوصاً از حیث جنس که نفت خالص آن ۵۵ درصد است... حمل آن به سهولت انجام می‌شود. مزد محلی بسیار ارزان و اندک می‌باشد و این در حمل نفت از معادن تا مملکت انگلستان و تا بازارهای اروپا از راه دریاها يك كمك خوب و با نفعی است که برای جبران این راه دور و دراز کافی خواهد بود (۱۲۰).

سرچارلز گرینوی رئیس هیئت‌مدیره شرکت هم در ۱۹۲۴ اظهار داشت که هزینه تولید نفت ایران به مراتب از هزینه دیگر نقاط ارزانتر است، زیرا در این مورد به برکت قابلیت تولید منحصر به فرد و طول عمر چاهها و نوع بسیار عالی نفت خام موقعیت خوبی داریم که استثنائی است (۱۲۱). در مورد نوع و مرغوبیت نفت ایران در اعلامیه‌ای که جهت انتشار سهام شرکت نفت انگلیس و ایران در ۱۹۱۹ منتشر گردیده ذکر شده است که، جنس نفت خام بسیار مرغوب و شامل مقادیر زیادی بنزین، نفت لامپا، روغن‌های ماشین‌های عالی، موم‌های معدنی، نفت سوخت با حرارت زیاد و مقداری هم تلوان می‌باشد... برای مصرف در بحریه امپراطوری مفید تشخیص داده شده بلکه... بنزین محصول ایران برای مصرف در نیروی هوائی امپراطوری جلب توجه اولیای دولت انگلیس را نموده بود...

۱۲۰- جنگ نفت ص ۷۶ و ۷۷.

۱۲۱- خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ ص ۱۶۹.

واز هر جهت رضایت‌بخش بود و هزینه تولید نفت مزبور خیلی کم است (۱۲۲).

معروفترین چاهها ابتدا چاه موسوم به «اف ۷» بود که به کثرت محصول مشهور بود. مجموع محصول این چاه از آبان ۱۲۹۰ تا اسفند ۱۳۰۴ شمسی بیست و سه میلیون خروار بوده است و با وجود اینکه میزان محصولش همچنان جریان داشت، آن را بستند تا گاز آن محفوظ بماند.

چاههای سرشار دیگر که بعضی میزان محصولشان هم از چاه «اف ۷» بیشتر بوده عبارتست از: چاه «ب ۱۸۸» که محصول روزانه‌اش بالغ بر شش‌هزار خروار بوده است و چاههای «ن ۱۷» و «ن ۶۹» و «ب ۷۵» و «ب ۱۴۷» که محصول روزانه هر کدام بالغ بر پنج‌هزار و پانصد خروار بوده است. بعلاوه چاههای دیگری هم بوده است که روزانه بین چهار هزار و پنج‌هزار خروار نفت می‌داده است (۱۲۳). یکی از چاههای نفت هفت‌گل در موقع امتحان ۵۴۰۰ تن نفت در ۲۴ ساعت بیرون داده بود، ولی آن را هم بستند و حال آنکه معتقد بودند که «... اگر سر این چاه باز شود محصول آن مطابق با بزرگترین چاههای دنیا خواهد شد...» (۱۲۴) چون معدن هفت‌گل وسعتی داشت، بعداً شش چاه برای استفاده از آن زده شد که در ۱۹۳۰ از آن چاهها استفاده می‌شد و تا تجدید امتیاز فقط از این معدن و معدن مسجد سلیمان نفت استخراج می‌کردند (۱۹۳۳). در ۱۹۳۴ معدن «نفت سفید» کشف شد و در ۱۹۳۵ معدن نفت «آغا جاری» که با حفر چاههایی در آنجا معلوم شد که معدن این ناحیه با دیگر معدن بزرگ برابری می‌کند.

در همان سال چاههایی در «گچساران» کنده و معلوم شد که این منطقه از لحاظ ذخیره نفت اهمیت و استعداد بسیار دارد. در ۱۹۳۸ معدن

۱۲۲- نفت نشریه اداره کل انتشارات و تبلیغات ش ۲ ص ۴۵.

۱۲۳- صنعت نفت ایران ص ۱۱.

۱۲۴- جغرافیای اقتصادی کیپان ش ۲ ص ۴۵.

نفت «لالی» واقع در شمال مسجد سلیمان کشف شد که آن نیز پرمایه بود (۱۲۵). با این همه منابع سرشار نکته مهم این است که به اعتراف خود شرکت نفت «... کلیه محصول نفت خام بوسیله فشار گاز طبیعی خود که عبارت از تقریباً چهل و شش میلیون من تبریز در هر شش سانتیمتر مربع بود از چاه خارج می گردید...» (۱۲۶) و این امتیاز سالیان دراز همچنان محفوظ ماند و اطلاعات در شماره جمعه چهارم مرداد ۱۳۱۹ خود نوشت که «... هیچیک از چاهها از حیز ارتفاع خارج نشده، فوران طبیعی آنها از بین نرفته و تاکنون احتیاج به استعمال تلمبه و فشار هوا و غیره پیدا نشده است. معمولاً هر یک از این چاهها به تفاوت در سالهای متوالی، روزی هزار تا پنجهزار تن نفت داده اند، بدون اینکه وضعی در آنها بروز کند. بدین جهت هزینه استخراج نفت ایران خیلی نازل... [است] و حقیقاً هم از لحاظ هزینه استخراج با چاههای آمریکا که برخی از آنها «... از فوران فرومانده است و بناچار نفت آن را با تلمبه های مخصوصی بیرون می کشند (۱۲۷). قابل مقایسه نبوده است و از اینرو به هیچ نحو نمی توان پذیرفت که نفت ایران در داخله ایران به قیمت نفت آمریکا به ایرانی فقیر فروخته و بر او منت گذارده شود که ده درصد از قیمت را تخفیف داده اند و شاید هر چه شرکت نفت در داخله ایران خرج کرده است از این راه جبران شده باشد.

#### صنعت نفت :

کار مهم صنعت نفت، تصفیه آن ماده است و اصول عمده تصفیه نفت عبارتست از جوشاندن و تبخیر نفت خام. مواد مختلفه نفت بر حسب درجه فراریتی که دارد، در مراحل مختلفه حرارتی که به نفت خام داده

۱۲۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۳۰۸-۳۱۰.

۱۲۶- صنعت نفت ایران ص ۱۳.

۱۲۷- اطلاعات ۱۹۵۴.

می شود خارج شده، از راه تقطیر مبدل به مایع می گردد. مواد سبک وزنی که از نفت خام تحصیل می شود، همان بنزین و نفت چراغ است و قسمت اعظم مواد فاضل آن برای نفت سوخت بکار برده می شود. پس از آن که بنزین و نفت چراغ از نفت خام تحصیل شد، برای اینکه اجزاء متعفن و کثیفه آن برطرف گردد و مایع بی رنگ و بوئی بدست آید، بنزین را به ظرفی که شبیه به مخازن بزرگ و دارای محلول سود سوزآور است برده بوسیله هم زدن و مخلوط کردن آن را می شویند. آنگاه آن را نخست با محلول هیپوکلوریت دو کالسیوم و بعد با محلول سود می شویند. نتیجه این عمل آنست که بنزین بی رنگ و بو می شود و اگر مواد گوگردی هم در آن باشد از میان می رود. تصفیه و نفت چراغ به شکل دیگری انجام می گیرد. به این معنی که «بوکسیت» را خرد کرده در صافی های بزرگ می ریزند آنگاه نفت چراغ را در این صافی ها ریخته صاف می کنند. این بوکسیت را دوباره می توان به آسانی روی حرارت آتش بو داده، برای همین مقصود بکار برد. برای جدا کردن مواد فرار از نفت خام - که برای صادر کردن باعث زیان نشود - نفت خام را قبل از صدور، داخل دستگاه مخصوصی می نمایند که دارای شش برج و ارتفاع هر یک از این برجها قریب بیست ذرع است. نفت مزبور را قبلاً بوسیله بخار مختصر حرارتی داده و تدریجاً آن را از بالای برجها قطره قطره نزول می دهند. به این ترتیب مقدار بنزین فراری که در معادن از گاز تحصیل شده و داخل آن گشته است جدا شده حمل و نقل نفت خام هم آسان و بی خطر می شود. بنزین مزبور را هم با یک نوع بنزین سنگین تری که در آبادان بدست می آید مخلوط کرده برای فروش در بازار حاضر می کنند (۱۲۸). در ضمن استخراج نفت خام، مقدار زیادی گاز از چاههای ایران خارج می شود که جزء مهم نفت محسوب می شود و چون فوق العاده فرار است، گرانبه است. این گاز در پرتو تشکیلات علمی، از یک طرف مبدل به بنزین ذی قیمت

۱۲۸- صنعت نفت ایران ص ۲۱.

گردیده، از طرف دیگر برای گرم کردن و خدمات دیگر بکار می‌رود. بدین طریق که بدو ۱۵ مخزن که به ۵ دسته مختلف قسمت شده است، بنا می‌شود و نفت خام پس از خروج از چاه در آنها جریان پیدا می‌کند. نظر به اینکه نفت سنگین و گاز سبک است، اولی در مخازن مزبور ته‌نشین و دومی از آن جداگشته متصاعد می‌شود. پس از آنکه، این تفکیک صورت گرفت گاز مزبور بوسیله لوله وارد کارخانه می‌گردد. در اینجا برجهای آهنی مخصوصی بنا شده است که هر یک دارای صفحات متعدد آهنی بوده به فواصل معین از بالا تا پائین برج روی هم قرار گرفته است. برجهای مزبور دارای دو مدخل است: یکی در بالا و یکی در پائین که از دومی گاز داخل آن گردیده، از اولی محصول دیگری هوسوم به «نفت گازی» وارد آن می‌شود. نفت گازی یکی از مستخرجات نفت است که قوه جاذبه خاصی برای جلب گاز دارد. نفت گازی از بالا به تدریج روی صفحات آهنی مذکور در فوق که شبکه‌دار است شروع به چکیدن نموده پیوسته گاز را از پائین به طرف خود جلب می‌کند. در نتیجه مواد گازولینی یا بنزینی گاز مذکور در آن جذب می‌شود. آنگاه بوسیله عمل تقطیر، بنزین جذب شده از نفت گازی تجزیه می‌گردد. سپس با عمل دیگری آن را از صورت گازی خارج کرده مبدل به بنزین مایع می‌کنند. آن وقت این بنزین را داخل لوله اصلی کرده توأم با نفت خام به آبادان حمل می‌کنند. «نفت گازی» را هم باز بهمان منظور نخست وارد برجهای می‌نمایند و در آنجا چون گاز و نفت گازی باهم تلاقی کرد، مواد بنزینی گاز جذب می‌شود. یک جزء از گاز که باقی می‌ماند برای سوزاندن مناسب است و بوسیله لوله‌های مختلف به اطراف برده برای گرم کردن دیگهای بخار عمل حفر و چرخاندن دستگاههای تلمبه و قوه و گرم کردن خانه‌ها و پختن غذا مصرف می‌شود...»

عمل استخراج معادن نفت ایران فوق العاده منظم و دقیق ترتیب داده شده، نظارت و کنترل آن خیلی سهل بود. طرز تحصیل مقدار نفتی که برای احتیاجات کارخانه‌های تصفیه آبادان و صدور از مملکت لازم بود

خیلی ساده بود به این معنی که شیر عده چاههای لازمه را باز کرده، سپس مقادیر لازمه نفت در لوله‌ها جریان پیدا می‌کرد. مرتب بودن این عمل به اندازه‌ای بود که استخراج نفت را می‌شد روز به روز و حتی ساعت به ساعت تنظیم نمود و عیناً مانند آن بود که شخص در حمام دوش را برای استحمام باز کند (۱۲۹).

تأسیسات مربوط به صنعت نفت (۱۳۰):

از چهل و یکسال پیش تأسیسات مربوط به صنعت نفت از این قرار بود:

#### ۱- تصفیه خانه آبادان:

شامل کارخانه‌های تصفیه و مخازن نفت و ایستگاه بارگیری «باورده» و خانه‌ها و عمارات و فضای آن بالغ بر یک فرسخ مربع بود.

#### ۲- برق:

قوه برق لازم برای مصارف مختلفه ناحیه مسجد سلیمان بوسیله دستگاه مولد که استعداد تولید شش هزار وهفتصد کیلووات داشت تهیه می‌شد... در تصفیه خانه آبادان قوه‌ای که برای روشنائی و سایر عملیات تصفیه خانه لازم بود... از برقی بود، بشکل جریان متناوب. که موتورهای بزرگ را با قوه ۳۳۰۰ ولت حرکت می‌داد و ایستگاههای کوچک دیگری در نقاط مختلف تصفیه خانه بنا شده بود که قوه ۳۳۰۰ ولت را به ۴۴۰ ولت انتقال داده برای مصرف موتورهای کوچک حاضر می‌نمود. تأسیسات مختلفی که در تصفیه خانه با قوه برق کار می‌کرد عبارت بود از: تلمبه‌های بزرگ آب، تلمبه‌هایی که در مجاورت کارخانه‌های تقطیر برای بالا و

۱۲۹- صنعت نفت ایران ص ۱۹.

۱۳۰- صنعت نفت ایران ص ۱۳ و ص ۱۶.

پائین فرستادن نفت ایجاد شده بود، تلمبه‌هائی که نفت را به کشتی‌های نقاله نفتی می‌فرستاد - که جمعاً بیش از پانصد تلمبه مختلف‌الشکل واقع در چهل دستگاه تلمه‌زنی واقع بود - ماشین‌آلات کارخانه‌های مختلف و کارخانه‌های حلبی‌سازی (۱۳۱)...

## ۳- آب:

آب لازم برای مصارف مسجد سلیمان ابتدا بوسیله لوله آورده شده بود، ولی بعد، از گذار لندرو واقع در دو فرسخی مسجد سلیمان تهیه شد...» (۱۳۲)

## ۴- خط اصلی لوله:

خط اصلی لوله که معادن نفت را به آبادان و ساحل دریا وصل می‌کرد و طول آن چهل فرسخ بود.

## ۵- کارخانه حلب‌سازی:

حلبی‌های نفت و بنزین را با جدیدترین ماشین‌های خودکار می‌ساختند. ماشین‌های مزبور صفحه‌های حلبی را باندازه‌های مختلف بریده، قطعات متعدد آن را لحیم کرده بشکل حلبی‌های چهارگانی (پنج من تبریز) که هوا داخل آن نمی‌شود درمی‌آورد.

## ۶- راه آهن:

شرکت قریب ۲۶ فرسخ راه آهن در ایران بنا کرده بود که، طویلترین و مهمترین قسمت آن خط بین «درخزینه» و «مسجد سلیمان» بود... در آبادان نیز قریب هفت فرسخ خط آهن در نقاط مختلف تصفیه‌خانه بنا شده بود و یکی از خصوصیات خط مزبور لکوموتیوهای بی‌آنتشی بود که

۱۳۱ و ۱۳۲ - صنعت نفت ایران ص ۱۳-۲۲ و ۱۳ و ۳۱، مهر این است که این تأسیسات وقتی بوجود آمده است که در خوزستان نه راه بوده و ندوسیله ماشینی، لوازم را از محمره (خرمشهر) با کشتی به اهواز می‌آوردند و از آنجا با قاطر به مسجد سلیمان می‌بردند (پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۰).

بطرز مخصوصی ساخته شده بود و برای آنکه هیچگونه خطر حریق از جرعه آن نباشد با بخار حرکت می‌کرد... (۱۳۳)

در سال ۱۹۳۰ خط لوله‌ای از هفت گل به کوت عبدالله کشیده و به خط لوله مسجد سلیمان به آبادان متصل شد (۱۳۴). در ۱۹۳۵ پالایشگاه کرمانشاه تمام و افتتاح شد (۱۳۵).

بین سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۹ دستگاههای «کراکینگ» و کارخانه‌های جدید تقطیر و کارخانه آسفالت و کارخانه اسید سولفوریک و لوازم دیگر پالایشگاه (تصفیه خانه) ساخته و آماده شد. بندرگاه آبادان توسعه بسیار یافت و اسکله‌ای جدید در باورده و خسروآباد ساخته و مخازن چندی برای انبار کردن محصولات آماده و حاضر شد (۱۳۶). از ۱۹۳۴ برنامه خانه‌سازی برای تمام کارکنان خارجی و یک قسمت از کارمندان ایرانی در آبادان و مسجد سلیمان و هفت گل آغاز گشت (۱۳۷). اندکی پیش از آغاز جنگ کارخانه‌ای برای تهیه بنزین هواپیمائی (معروف به یکصد اوکتان) وارد شد و در ۱۹۴۰ بکار افتاد و در ایام جنگ نیز قسمت‌هائی به کارخانه مزبور افزوده شد، بحدی که در ۱۹۴۴ ظرفیت آن به یک میلیون تن در سال رسید (۱۳۸). و نیز در ایام جنگ برای آنکه بتوانند مقادیر زیادی بنزین هواپیما به روسیه بفرستند، کارخانه حلبی‌سازی آبادان را به سرعت توسعه داده، محصول آن را دوبرابر کردند و خط لوله‌ای هم برای

۱۳۳- مرجع قبلی.

۱۳۴- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۸۱. «چارلز ریچی» سر مهندس لوله‌کشی برای سرکشی و بازدید کارهای لوله‌کشی یک فروند هواپیما خریده بود، ولی هواپیمای مزبور پس از یکی دو پرواز، در محل نامناسبی بزمین آمد و درهم شکست. اتفاقاً خود او هم در اواخر سال در نتیجه یک تصادف ناگهانی درگذشت و «مستر جفیسون» نامی بجای او منصوب شد. این شخص بعدها به مدیر کلی شرکت نفت رسید (سفرنامه ویلسون ص ۲۸۱-۲۸۳ و ۲۶۴).

۱۳۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۳۰۸.

۱۳۶- همان کتاب ص ۳۱۰.

۱۳۷ و ۱۳۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۳۱۱-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۲۰



حمل بنزین بین اهواز و اندیمشک بهمین منظور کشیدند و در نقاط مختلف شمال، مخازن نفت و بنزین اضافی ساختند (۱۳۹). در همان سال ۱۹۴۰ یک خط لوله از آغاچاری به آبادان کشیده شد که آن نیز در ۱۹۴۴ بکار افتاد. در سال ۱۹۴۱ خط لوله‌ای از معدن «نفت سفید» به «ویس» بین اهواز و شوشتر کشیده شد و به خط لوله بین مسجد سلیمان و آبادان متصل گشت و در آبادان هم، دستگاههای جدید برای تهیه بنزین هواپیما و سایر فرآورده‌ها آماده و فراهم گردید (۱۴۰). در ۱۹۴۶ خط لوله بین «لالی» و مسجد سلیمان کشیده شد و بخطوط لوله این شهر مربوط گشت (۱۴۱) و به این ترتیب طول کلیه خطوط لوله نفت تقریباً به ۳۲۰۰ کیلومتر رسید و این لوله‌ها معادن را به آبادان و بندر معشور مربوط می‌ساخت. بندر معشور، که به‌دیریا متصل و عمق آب آن زیاد است، در زمان جنگ دوم جهانی و پس از آن، توسعه بسیار یافت. از طرف دیگر در تمام معادن، کارخانه‌های برق تأسیس و آب از نزدیکترین رودخانه تهیه و راه شوسه به‌تمام آنها ساخته شد و گرچه راه آهن بین «درخزین» و مسجد سلیمان» برچیده شده بود ولی میان آغاچاری و بندر معشور راه آهن کوچک دیگری احداث گشت. در ۱۹۵۱ دستگاه عظیم تصفیه یعنی دستگاه «کاتالی‌تیک» آماده کار شد. ساختن این دستگاه چهارسال طول کشیده بود (۱۴۲). این تأسیسات مربوط به دوره فعالیت و قدرت انحصاری شرکت است، پس از زوال قدرت مزبور، به اقتضای وضع و زمان در تأسیسات مربوط به صنعت نفت توسعه و بسطی حاصل شد که در صفحات آینده به آن اشاره خواهد شد.

### سؤال و استدلال:

اکنون که تا اندازه‌ای موضوع پیدایش و گسترش صنعت نفت در

۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ - پنجاه سال نفت ایران ص ۳۱۱-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۲۰.

۱۴۲ - پنجاه سال نفت ایران ص ۳۲۱.

ایران تشریح و معلوم شد، جای آنست که درباره نخستین فکری که ممکن است در خاطر هر ایرانی خطور کند، یعنی اینکه آیا ایجاد صنعت نفت در ایران سودمند بوده است، یا زیان‌آور. و حتماً باید نخستین مطلب این فصل باشد، شرحی ذکر و در ضمن دلیل آورده شود، تا حقیقت آشکار گردد، و ادعائی بی‌پایه و گزاف بنظر نرسد. این مطلب از جنبه منفی بهر دو دلیل عقلی و نقلی قابل اثبات است و اینک باجمال درباره هریک ذکر می‌شود:

### الف - دلیل عقلی:

امتیاز نفت، بخصوص پس از آنکه دولت انگلستان در آن شرکت یافت، بصورت معامله بین دوطرف قوی و ضعیف درآمد. انگلستان از هر جهت در جهان، دولتی نیرومند و پیشرو بود و ایران دولتی ناتوان و پس‌افتاده و پیداست که در معامله ضعیف با قوی همیشه غبن و ضرر با طرف ضعیف است، مگر آنکه طرف قوی واقعاً از همه جهت، و در همه اوقات و در همه موارد درستی و صحت عمل و امانت را بنماید و چنانکه خواهیم دید، این کیفیت درباره شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، مصداق نداشته و شرکت مزبور از این لحاظ خیلی ضعیف بوده است.

### ب - دلیل نقلی:

در اینمورد دلایل بسیار است و به اختصار، نخست از زمان شاه آنگاه از زبان زعماء دولت انگلیس، سپس از عقاید مؤلفین کتب مربوط به نفت و حسابداران سوگند خورده و در آخر با شرح و مقایسه و تجزیه و تحلیل طرز کار و رفتار شرکت در ایران و با ایرانیان دلایلی آورده می‌شود:

### ۱- نخست از زبان رئیس‌وزراء:

[پهلوی اول] در دیماه ۱۳۰۳ که هنوز سمت ریاست وزراء را داشت سفری به خوزستان کرد. این سفر به منظور تحکیم و بسط قدرت دولت مرکزی در آن سامان بود. او ضمن بازدید و سرکشی معادن نفت و مؤسسات

آبادان، عملیات این صنعت را بانهایت دقت مطالعه کرد. پس از مراجعت به پایتخت کتابی به نام «سفرنامه خوزستان» به نام وی انتشار یافت که محتملاً فرج‌الله بهرامی (دبیراعظم) و محمدعلی فروغی در انشاء و تنظیم و تدوین آن شرکت و مداخله داشته‌اند. ولی بهرحال یا عین احساسات و نظرات او را منعکس ساخته‌اند، یا اینکه پس از تنظیم مطالب، لااقل آنرا بنظرش رسانده و مورد تصویب قرار داده بودند و محققاً مطالب منتشره در آن کتاب بی‌اجازه و اطلاع نبوده است (۱۴۳). در آن کتاب شاه راجع به نفت یادداشت‌هایی داد و منجمله درباره فتنه‌انگیزیها و عملیات خلاف قانون و زیان‌بار شرکت شرح ذیل را آورده است:

اسناد مهم «... شب ۲۴ دوسیه مهمی مشتمل بر چند سند مختلف از طرف يك نفر از علاقه‌مندان به وطن برای من فرستاده شد... تأسفم از این بود که يك دولت معظم و ثروتمند و متمدنی مثل انگلیس با وجود محبت همیشگی ملت ایران و با وجود سیاست متین و موافق و ملایم دولت من... مأمورینی به نقاط مهمه ایران فرستاده است که شب و روز کارشان طرح نقشه، برانگیختن قبائل و وارد کردن قشون، تأدیه وجه، تسلیم اسلحه به طوائف، منع جریانهای اداری ایران و ضعیف ساختن قوای دولتی و وارد کردن خسارات و تلفات به خزانه مملکت و به قشون مملکت است... عجب اینست که در هر مورد نفت و حفظ معادن نفت را دست‌آویز کرده به آن بهانه مایلند قشونی و پولی به اختیار خود درآورند. در صورتی که اگر یکسال مأمورین انگلیس از دسائس و تحریکات خودداری می‌نمودند و می‌گذاشتند بدون کشمکش و ائتلاف قوای دولت ایران در خوزستان و لرستان ادارات خود را دائر کنند و به جزئیات کارها مسلط شود و اشرار

۱۴۳- طلای سیاه یا بلای ایران ص ۱۱۶، ولی دکتر محمد اسدیان که رساله دکتری خود را در باب سفرنامه نویسی نوشته و گذرانده‌اند، سفرنامه‌ای را بنام سفرنامه شاهنشاه بخوزستان از غلامرضا رشید یاسمی، تهران ۱۳۰۲، یاد کرده‌اند (ص ۵۸۵ نسخه پلای کپی رساله).

و قبائل را خلع سلاح نماید و قشونش در نقاط لازمه مستقر گردد، معدن نفت بطور ابدی از آفات موهومی و خطرات مصنوعی محفوظ می‌ماند...» (۱۴۴)

۲- از زبان زعماء دولت انگلیس «رمزی ماک دونالد» پیشوای حزب کارگر انگلیس، در جلسه‌ای که خرید سهام شرکت از طرف دولت انگلیس و یا به عبارت بهتر شرکت دولت انگلیس در شرکت نفت انگلیس و ایران محدود، در پارلمان انگلیس مطرح بود در جواب چرچیل وزیر دریاداری وقت انگلستان که علمدار این عمل بود گفت «... سیاست شرکت نفت در ایران روش استعماری دارد و به استقلال ایران لطمه وارد می‌آورد، زیرا شرکت بوسیله پرداخت‌هایی که به بختیارها و عربهای خوزستان می‌نماید تا اموال وی را حفظ نمایند، قدرت حکومت مرکزی را متزلزل می‌سازد و حکومت‌های خانجانی و ایلی را ترویج می‌نماید...» (۱۴۵)

«چند سال پیش عده‌ای از روزنامه‌نگاران ایرانی از طرف اداره اطلاعات وزارت خارجه انگلستان برای مشاهده اوضاع اجتماعی و صنعتی انگلستان به آن کشور دعوت شدند. در مصاحبه‌ای که بین روزنامه‌نگاران ایرانی با مستر بوین وزیر خارجه وقت انگلستان ولیدر دوم حزب کارگر آن مملکت با حضور نقی‌زاده سفیر کبیر ایران بعمل آمد، خلیل ملکی نماینده روزنامه رهبر با لحن بسیار شدید از دستگاه حاکمه ایران و فسادها... انتقاد نموده بعنوان اینکه دولت انگلستان موجد و مؤسس تمام این خرابکاریها در خاورمیانه و مخصوصاً در ایران می‌باشد با تأثر شدید بوین را طرف خطاب قرار داده گفت «شما از جان ما چه می‌خواهید؟ چرا نمی‌گذارید مردم این کشور روی آسایش ببینند؟ چرا این باندهای فاسد و سیاهکار را تقویت می‌کنید چرا نمی‌گذارید يك حکومت ملی و علاقه‌مند

۱۴۴- همان کتاب ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۱۴۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۶. خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ ص ۳۳ و نیز ص ۲۵۴. شرکت به ایلات ایران علیه تهران (حکومت مرکزی) کهک می‌کرد.

بوده است (۱۴۹).

«مک‌لین‌تاک» که یک حسابدار قسم خورده انگلیس بود در گزارشی که برحسب تقاضای دولت ایران پس از مراجعه به حسابهای شرکت نفت به دولت داد، صریحاً نوشته است که «... شرکت نفت حقوق حقه دولت را بابت حق‌الامتیاز کاملاً نپرداخته و ۵۳۵۰۰۰۰ لیره کمتر پرداخته است» (۱۵۰) و این گزارش مربوط به سال ۱۹۱۹ میلادی است.

شرکت برای یک تن نفتی که از ایران استخراج کرده و فروخته پس از کسر کلیه هزینه‌ها تقریباً دو لیره و کسری عایدی خالص داشته است، در صورتی که قریب شش شلینگ به ایران پرداخته است. یعنی درآمد شرکت که مستأجر بوده تقریباً تا هشت برابر صاحب‌مال و موجد یعنی ایران بوده است و بقول مصطفی فاتح بدون تردید چنین اجحاف و تعدی پیش هر مغرضی هم موجه نخواهد بود (۱۵۱). در سال ۱۹۴۷ شرکت ۱۵۲۶۶۶۶۵ لیره مالیات به دولت انگلستان داده، اما به دولت ایران از بابت حق‌الامتیاز کمتر از نصف آن یعنی ۷۱۰۱۲۵۱ لیره و همچنین در سال ۱۹۵۰ مبلغ ۵۰۷۰۶۸۸۰ بابت مالیات بردرآمد به دولت انگلیس پرداخته و به دولت ایران بابت مالیات و حق‌الامتیاز ۱۶۷۰۳۱۷۳۵ که از ثلث هم کمتر شده است (۱۵۲).

جرج لنچارسکی هم در این باره می‌نویسد: «طی سالیان دراز مبالغی که از طرف شرکت نفت انگلیس و ایران به خزانه انگلیس پرداخت می‌شد

۱۴۹- جنگ نفت ص ۴۶ و مرجع قبلی و نیز گفته بود «... شاید بی دلیل نباشد اگر... روزی حقا ادعا کنیم که ناوگان عظیمی که در طول سالهای ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ ساختیم و بزرگترین ناوگانهای بوده است که تا آن زمان دولت بزرگی در چنین مدتی بوجود آورده است بدون تحمیل یک شاهی به مالیات دهندگان به نیروی دریائی انگلستان اضافه شد (خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ ص ۳۴).

۱۵۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۶.

۱۵۱- همان کتاب ص ۴۱۴.

۱۵۲- ایضاً همان کتاب ص ۴۱۶ و ۴۱۷.

و دلسوز بحال ملت ایران تشکیل گردد و چرا هرروز شکاف بین حکومت‌ها و ملت را زیاد می‌کنید؟ چرا و چرا و چرا... از جان ما چه می‌خواهید؟ مستر بوین در قبال تمام این اعتراضات و تندى و عصبانیت با خونسردی... و لبخند... با کمال سادگی و وضوح در جواب همه این سئوالات «از جان ما چه می‌خواهید؟» فقط یک کلمه را سه مرتبه تکرار کرد و گفت «اوایل. اوایل. اوایل» یعنی نفت. نفت. نفت. (۱۴۶)

۳- از زبان مؤلفین کتب مربوط به نفت و حسابداران سوگند خورده - به عقیده مصطفی فاتح معاون کل شرکت نفت انگلیس و ایران محدود اعزام سربازان هندی به ایران (برای حفظ امنیت اموال و وسائل و مأمورین کاوش نفت) تجاوز صریحی از طرف دولت انگلیس بود که نسبت به حقوق ایران بعمل آمد و حقا هم همینطور بود، بخصوص که در امتیازنامه قید شده بود که حفظ امنیت و اموال شرکت و کارکنان آن با دولت ایران باشد و مأمورین انگلیسی در این خصوص به دولت ایران مراجعه نکرده بودند (۱۴۷).

باز بنظر ایشان «... تعهد شرکت درباره فروش نفت به دولت انگلیس به قیمت نازل‌تر از قیمت بازار، یک نقض عهدی با دولت ایران بود... و خسارات زیادی به دولت و ملت ایران وارد آورد...» (۱۴۸)

بنا به اظهار چرچیل وزیر وقت در یاداری انگلستان صرفه‌جوئی بحریه انگلیس در این باره تا سال ۱۹۲۵ هفت میلیون و پانصد هزار لیره

۱۴۶- طلای سیاه یا بلای ایران مقدمه ص و اما بنظر بنده مطلب مبالغه‌آمیز است و یا چاشنی اغراق روزنامه نویسی در آن بکار رفته یا بوین سؤال را ملایم تر، مثلا از ما چه می‌خواهید فهمیده است، وگرنه به این صراحت جواب دادن متناسبی با سیاست مداران ندارد.

۱۴۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۵۸ و فصل ۱۴ امتیازنامه داری، جغرافیای اقتصادی کیهان ص ۲۴۸ سفرنامه ویلسون ص ۴۴. خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ ص ۱۷.

۱۴۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۵.

چندین مرتبه بیش از عوایدی بود که نصیب دولت ایران می‌گشت (۱۵۳) و در پاورقی کتاب توضیح می‌دهد که «در عرض چهار سال عملیات (۱۹۵۱-۱۹۱۱) مجموع مبالغ دریافتی ایران صد و سیزده میلیون لیره انگلیسی بود. در عرض همان مدت دولت انگلیس تخمیناً در حدود دویست و پنجاه میلیون لیره بعنوان مالیات از شرکت نفت انگلیس و ایران و شرکت‌های فرعی آن دریافت داشت. در آخرین سال قبل از ملی شدن نفت (۱۹۵۰) میزان حق‌الامتیاز ایران در حدود شانزده میلیون لیره بود در حالی که مالیات پرداختی به دولت انگلیس بالغ بر پنجاه میلیون لیره شد. علاوه بر اخذ مالیات، دولت انگلستان بعنوان سهامدار اصلی شرکت سهم خود را از منافع قابل توزیع شرکت دریافت می‌داشت. [و بفرض اینکه این امر بر وفق امتیازنامه و قوانین مالیاتی انگلستان باشد، باز دلیل برغبین فاحش ایران و فساد در معامله است]. مخلص کلام اینکه بقول چرچیل: آنچه از یک جیب ما بیرون برود به جیب دیگر ما وارد خواهد شد. ما قیمت نفت را خواهیم پرداخت، ولی منافع آن عاید خزانه انگلیس خواهد شد.

و باز به عقیده مصطفی فاتح «... رفتار این مؤسسه با کشوری که سرچشمه فیض و سعادت و توفیق آن بود طوری نبود که دست کم بتوان آن را منصفانه نامید و اشخاص منصف و بی‌غرض و حتی بین خود انگلیس‌ها حق را به ایران داده، اعتراضات ایرانیان را وارد و موجه می‌دانستند (۱۵۴).

ارمیتاژ اسمیت مستشار مالی که بموجب قرارداد ۱۹۱۹ از طرف دولت انگلیس به دولت ایران داده شد، در ۱۹۲۰ اعلام داشت که محاسبات صاحب امتیاز دارای کمی نکات متضاد می‌باشد. برخلاف تعهدات رسمی و صریح قرارداد شرکت مقدار زیادی عملیات هندو استخدام نموده و

۱۵۳- نفت: نشریه اداره کل انتشارات و تبلیغات ش ۲ ص ۴۰.

۱۵۴- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۱۹.

مطالبه کرد...» (۱۵۷)

«... در این صورت» سرکار جیل رئیس کمپانی نفت برمه در نطق افتتاحیه خود در اولین جلسه عمومی کمپانی انگلیس و ایران حق داشت بگوید که این یک منبع طبیعی بسیار ذی‌قیمت برای ملت انگلستان می‌باشد فقط در اینجا سرکار جیل لازم بود این عبارت را هم علاوه کند... که این اراضی و املاک ذی‌قیمت ملی که حال شروع به عملیات در آنها نموده‌ایم

۱۵۵- جنگ نفت ص ۲۹.

۱۵۶- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۸.

۱۵۷- جنگ نفت ص ۳۴ با اندک تصرف - خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ ص ۲۷.

برای نفع ملت بی‌بضاعت ایران که این معادن ذی‌قیمت مال آنها می‌باشد نیست، بلکه برای منافع مملکت پرثروت انگلستان که وطن اصلی خود سر.ح.ت. کارجیل است می‌باشد...» (۱۵۸) تا حق ملت ایران هم منظور شده باشد.

#### ۴- تجزیه و تحلیل کار و رفتار شرکت:

در سطور پیش چند مورد از تجاوز انگلستان به حقوق ایران برای خاطر نفت ذکر شد. گفته‌های شاه، اعتراف صحیح و صریح رمزی ماک‌دونالد و اقرار ضمنی بوین، همه گفتار کسانی است که به‌مسائل وارد بوده‌اند. با همه اینها هنوز مسائل دیگری هم در این زمینه هست که باید گفته شود: در آغاز کار که هنوز در جستجوی کار کردن چاه و یافتن نفت بودند، بیست تن سواره نظام هندی به «ماماتین» آوردند و این عده تحت نظر سرآرنولد ویلسون نایب قونسول وقت انگلیس در اهواز بودند (۱۵۹). این تخلف اول شرکت و نخستین تجاوز او به حقوق ایران بود، زیرا بموجب فصل چهاردهم امتیازنامه «... دولت ایران متعهد شده بود که اقدامات لازمه را در حفظ امنیت و اجرای مقصد امتیاز و اسباب و ادوات مذکوره در فوق‌را بعمل آورد و همچنین نماینده‌ها و اجزای علمی و کلاسی شرکت را در تحت حمایت مخصوصه خود گیرند...» این کار از تعهدات دولت ایران بود و می‌بایست در اول وهله به‌دولت ایران مراجعه شود، در حالی که نه‌تنها آن موقع چنین مراجعه‌ای بعمل نیامد، بلکه پس‌از پیدا شدن نفت در مسجد سلیمان هم شرکت بجای مراجعه به‌دولت ایران قراردادی با خوانین بختیاری درباره حفظ امنیت آن نقطه منعقد ساخت

۱۵۸- جنگ نفت ص ۷۷.

۱۵۹- در پایان سال ۱۹۰۷ دولت هندوستان ستوان آرنولد ویلسون را با گروهی سرباز، ظاهراً برای محافظت از کنسولگری انگلیس در اهواز، ولی در واقع برای حمایت از حفاران در برابر ساکنان محل به‌حوالی شوشتر گسیل داشت. (خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ ص ۱۷).

و خیلی زود گفته رمزی ماک‌دونالد را تحقق بخشید. همینطور پس از ساختن تصفیه‌خانه آبادان بموجب قراردادی، حفظ ناحیه آبادان را به خزل و گذاشت (۱۶۰) و هیچ یک از این امور موافق قوانین بین‌الملل و حقوق حقه ایرانی نبود، بلکه صریحاً نقض حق حاکمیت ایران بود، آنها در حالی که ابداً برای حفظ امنیت دولت مرکزی مراجعه نشده بود. و بفرض اینکه شرکت عقیده داشت که حکومت مرکزی در خوزستان قدرتی ندارد\*، قانوناً می‌بایست شرکت در موارد پیش‌آمدها به‌دولت ایران مراجعه کند. بگذریم از اینکه بیشتر بی‌قدرتی دولت هم زیر سر شرکت و حامیان آن بود.

و باز در مورد ۱۹۲۰ که عده‌ای از کارگران هندی برای افزایش دستمزد خود در آبادان اعتصاب کردند، قونسول انگلیس در بوشهر با کشتی جنگی و عده‌ای نظامی به‌آبادان آمد تا غائله را خاموش کند و ناگفته پیدا است که این کار چقدر وقیحانه و نسبت به‌یک دولت مستقل توهین‌آمیز بوده است (۱۶۱). البته این تجاوزات نظامی در زمان صلح بوده که هیچ‌گونه ضرورتی آنرا ایجاد نمی‌کرده است، و گرنه در زمان جنگ - که دولتهای متخاصم بی‌طرفی ایران را نقض و به‌حدود و حقوق ایران تجاوز نظامی کردند - دولت انگلیس نیز در این کار شرکت داشت. و در فوریه ۱۹۱۵ که عمال آلمانی خط لوله نفت بین مسجد سلیمان و اهواز را سوراخ کردند، چون خطر پیشرفت قوای عثمانی بطرف خوزستان هم درپیش بود، انگلیس‌ها عده‌ای سرباز هندی به‌خوزستان آورده، در تمام مدت جنگ بین‌الملل اول در اهواز پادگانی برقرار کردند (۱۶۲).

۱۶۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۱ و ۴۲۵.

۱۶۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۵ و ۴۲۷.

\* خاورمیانه، نفت و قدرهای بزرگ ص ۳۳ و نیز ص ۱۷: قرارداد ۹۰۷ روس و انگلیس.. استقرار هرچند بیشتر قدرهای بیگانه در سرزمین ایران موجب تضعیف روزافزون قدرت حکومت ایران در مناطق تحت نفوذ دولتی روس و بریتانیای کبیر بود.

۱۶۲- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۷۳.

تخلف دیگر شرکت که آن نیز تجاوزی به حقوق ایرانی محسوب می‌شد، ایجاد تلگراف بی‌سیم قوی خاصی در آبادان بود که با آن ارتباطات تلگرافی خارج از کشور خود را انجام می‌داد (۱۶۳). در صورتی که این کار صرفاً می‌بایست با دستگاههای دولتی صورت گیرد. و بدیهی است هر یک از این امور آشکارا منافی حق حاکمیت ایران بوده که از طرف شرکت و به پشتیبانی دولت انگلیس و بر اثر ضعف یا چشم‌پوشی یا سهل‌انگاری اولیای حکومت ایران صورت گرفته و در زمینه امور مالی و کارگری نیز تخلفات دیگری از ناحیه شرکت سرزده که قریباً درباره آنها شرحی نگاشته خواهد آمد.

#### طرز اداره شرکت:

چون شرکت نفت برمه در شرکت نفت انگلیس و ایران محدود سهام عمده داشت و بیشتر مدیران آن شرکت به روش استعماری خو گرفته و پرورش یافته بودند، شرکت نفت انگلیس و ایران را نیز تحت تأثیر خود قرارداد و بهمان راه واداشتند، بطوریکه شرکت نفت انگلیس و ایران از همان آغاز قیافه یک شرکت استعماری بخود گرفت، در حالی که مدیران مستقیماً آنرا اداره نمی‌کردند، بلکه شرکت تجارته دیگری به نام «استریک اسکات» عهده‌دار اداره امور شرکت نفت انگلیس و ایران محدود بود و از این بابت هر سال پول گزافی از شرکت مزبور می‌گرفت و ظاهراً از این راه منافی هم به مدیران شرکت نفت انگلیس و ایران می‌رسید. این ترتیب تا سال ۱۹۲۵ - که سر جان کدمن رئیس هیئت‌مدیره شرکت نفت انگلیس و ایران شد - ادامه داشت و او آن را برانداخت.

مأمورین شرکت در ایران غالباً از افسران بازنشسته ارتش مقیم هند و یا از مأمورین سیاسی مقیم آن کشور بودند که بنا به عادت خود، شرقیان را به نظر تحقیر می‌نگریستند. پول رایج در دستگاههای شرکت روپیه

هندی بود و شرکت کلیه حقوق و دستمزد کارکنان خود را به روپیه پرداخت می‌نمود. در آغاز کار، قسمت عمده کارگران فنی شرکت هم هندی بودند و متأسفانه اگر از انگلستان هم کارمندان فنی به ایران می‌آمدند، تحت تأثیر این قبیل کارمندان قرار می‌گرفتند و به ایرانیان به نظر حقارت می‌نگریستند.

بطور خلاصه، کلیه کارکنان فنی و اداری همه انگلیسی بودند و کارکنان اداری انگلیسی‌هائی بودند که افکار استعماری داشتند. کلیه کارمندان دفتری و کارگران فنی و حتی پیشخدمت‌ها و آشپزها هندی بودند و فقط معدودی از ایرانیان بعنوان «میرزا» یعنی منشی بنا بر اصطلاح دوره قاجاریه در خدمت شرکت بودند که غالباً سمت مترجمی داشتند. و چیزی که دست شرکت را در این کار باز گذارده بود، عبارت فصل دوازدهم امتیازنامه داری بود که می‌گفت «عمله و فعله که در تاسیسات فوق کار می‌کنند باید «رعیت اعلیحضرت شاهنشاه» باشند، باستثنای اجزای علمی از قبیل مدیر و مهندس و حفرکنندگان و مباشرین» و شرکت البته عمله و فعله را بمعنی متداول و معمول، یعنی کارگر کارهای کوچک و نازل می‌گرفت و چون بطور خلاصه نظر اساسی شرکت در مورد کارکنان خود این بود که به ارزان‌ترین قیمت از خدمات آنها استفاده شود، این قبیل اشخاص را برای منظور خود مناسب‌تر می‌دید (۱۶۴).

#### رفتار شرکت با ایرانیان:

در سطور بالا اجمالاً به این مطلب اشاره شد که زعماء خارجی شرکت، ایرانیان را به چیزی نمی‌گرفتند و به نظر حقارت می‌نگریستند. در آغاز شرکت، دولت انگلیس در این امر در جواب اشکال یکی از نمایندگان پارلمنت که گفته بود «ممکن است ایرانیان نسبت به عقد این قرارداد اعتراض کرده شورش برپا نمایند...» [مسئله رژی و قرارداد روپتر را بیاد

آورید] چرچیل جواب داده بود که «... اگر چنین پیش‌آمدی روی دهد همان کاری را که ما در موقع جنگ با دشمنان خود می‌کنیم... خواهیم کرد...» و مستر ادواردگری وزیرخارجة وقت انگلیس هم در همان جلسه گفته بود که «... در صورت لزوم دو تیپ سرباز می‌تواند امنیت را در آن ناحیه (بین مسجد سلیمان و آبادان) برقرار نماید (۱۶۵) و از آنجا اساس فکر زمامداران انگلستان نسبت به طرز عمل با ایرانیان معلوم می‌شود که هرگز بر سر آن نبودند که در مقابل اعتراضات ایرانیان با منطق و استدلال پاسخ دهند و جواب دلیل و برهان را زور و سرنیزه می‌دانستند. چنانکه در هفته اول خرداد ۱۳۰۶ دونفر از کارگران شرکت به نام‌های محبعلی-خان و احمدخان شارق که برای تظلم و شکایت به تهران آمده بودند، در ملاقات با رئیس شرکت، مذاکره آنها منجر به مشاجره شد و از طرف اعضاء و اجزاء اداره مرکزی شرکت به آن دو حملاتی شد و آنها را کتک زدند (۱۶۶) و با این رویه و براساس این فکر منحوس تحقیر، بین کارمندان ایرانی و خارجی شرکت، تفاوت محسوسی از جهت حقوق بازنشستگی و مسکن و تسهیلات اجتماعی به وجود آمد که این خودبزرگترین عذاب روحی بود. تمام کارمندان انگلیسی شرکت - حتی آنهایی هم که کارهای دفتری می‌کردند - جزو کارمندان عالی‌رتبه بودند. و تمام کارمندان ایرانی - مگر بیست، سی نفر - عنوان کارمندان جزء را داشتند، و البته همه مزایای حقوقی، از قبیل عضویت باشگاه‌های عمده شرکت، حق رفتن سینمای درجه اول آبادان، سوارشدن در اتوبوس مخصوص، استفاده از مغازه‌های شرکت و خرید اجناس خارجی، استفاده از بعضی زمین‌های ورزش و استخرهای شنا فقط اختصاص به مأمورین

۱۶۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۱۶۶- اطلاعات ۹۰۰۶، ۳۵۳۴.

عالی‌رتبه داشت. و از این بالاتر در بیمارستان اطاقهای مخصوصی برای انگلیس‌ها اختصاص داده شده بود که کارمندان ایرانی به آن‌ها راه نداشتند (۱۶۷).

و باز براساس فکر تعدی و تجاوز در ۲۳ تیرماه ۱۳۲۵ که کارگران و کارمندان شرکت - باستثنای کارگران و متصدیان امور فوری و ضروری - دست از کار کشیده بودند و از دولت تقاضا داشتند که استاندار خوزستان را بر دارد - عشایر خوزستان را خلع سلاح کند - شرکت را از مداخله در امور ایران منع کند - دستمزد روز جمعه به آنها پرداخت شود، به بهانه اینکه عصر آن روز تظاهراتی در شهر آبادان شروع و به باشگاه اتحادیه اعراب که در همان روز جشن افتتاحیه آن را گرفته بودند حمله شده (و شاید در باطن به تحریک خود شرکت بود) و بالنتیجه بین کارگران و مخالفین آنها زد و خوردی روی داده بود، سفیر انگلیس به نخست‌وزیر ایران اطلاع داد که مسئولیت حفظ نظم و آرامش در محوطه عملیات شرکت از وظایف دولت است (اگر اینطور بود پس قرارداد با بختیاری‌ها و خزعل چه بود؟) و ضمناً گفت که اگر دولت غفلتی در این باب بنماید و جان و مال اتباع انگلستان به خطر بیفتد اقدامات مقتضی را خواهد نمود. سه روز بعد چند کشتی جنگی انگلیسی به آبادان آمده در طرف ساحل عراق در رودخانه شط العرب لنگر انداختند. دو هفته بعد دهلی خبر داد عده‌ای سرباز هندی به بصره اعزام شده است که برای «حفظ جان انگلیسی‌ها و هندی‌ها و اعراب» حاضر باشند. این دلسوزی برای اعراب آنقدر زننده بود که دولت ایران به لندن اعتراض کرد و دولت انگلیس هم برای پایان دادن موضوع، در پاسخ اظهار داشت که به اقدامات امنیتی ایران اعتماد کامل دارد (۱۶۸).

شرکت می‌خواست کارهای عمده همواره به دست انگلیسی‌ها باشد و از دست آنها خارج نشود و برای تحکیم حکومت خود چنانکه شیوه

۱۶۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۶.

۱۶۸- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۹ و ۴۴۰ بدون عبارات در پراوتر.

مأمورین استعماری انگلیس در تمام دنیا بوده و هست، اصل «نفاق افکن و حکومت کن» را اساس کار قرار داده بود. کارکنان خود را از نژادهای مختلف انتخاب و استخدام کرده و حق اولویت را مطلقاً برای انگلیسی‌ها شناخته بود (۱۶۹) تا بر کار خود سوار و استوار بود بر این معایب آگاهی و بدان توجه نداشت و چون آن را از آن اسب طلائی فرود آوردند دانست که خود کرده را تدبیر نیست، و آن وقت همه روزنامه‌ها و مجلات انگلستان نوشتند که «از ماست که برماست».

### رفتار شرکت با کارگران و کارمندان ایرانی:

این دسته از کارگران شرکت غالباً از طبقه پائین و مردمان بی سواد تهی دست بودند که در ابتدای کار شرکت در محل به استخدام شرکت درآمدند و در آن گرمای سخت خوزستان برای شرکت کار می کردند در حالی که از وسائل اولیه زندگی محروم بودند. در سال ۱۳۰۴ ش که فاتح مأمور خوزستان شده بود، در تمام تاسیسات نفتی وضع ناهنجار کارکنان ایرانی [چنان] بود که بدتر از کارمندان هندی در پست‌ترین اماکن به بدترین وضعی امرار حیات می کردند (۱۷۰) و این امر منحصر به آن زمان نبود، بلکه در تمام مدت امتیاز قریب نود درصد کسانی که نفت را استخراج و تصفیه کرده‌اند، ایرانیانی بوده‌اند که در هوای گرم نامطلوب خوزستان و درازای دستمزد کمی به شرکت خدمت نموده‌اند.

بین سالهای ۱۲۸۷ شمسی که نخستین چاه نفت در میدان نفتون فوران کرد، تا سال ۱۳۰۳ شمسی شهر آبادان برای ایرانیان همان کپرهای حصیری و فقط چند خانه آجری بود، در حالی که شرکت برای همه کارکنان انگلیسی خانه مناسب و راحت در آبادان و مسجد سلیمان و اهواز ساخته و وسایل راحتی آنها را کاملاً فراهم کرده بود. کارکنان هندی هم

۱۶۹- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۵۶.

۱۷۰- پنجاه سال نفت ایران ص ۷.

در اطاقهائی که به شکل سربازخانه ساخته شده بود منزل داشتند، ولی برای ایرانیان خانه و مسکنی ساخته نشده بود و همه از کارمند و کارگر کپرنشین بودند، یا در خانه‌های اجاره‌ای زندگی می کردند (۱۷۱). این مسائل شاید در امتیازنامه قید نشده باشد، اما اگر اولیای شرکت خود را تابع معیارهای جامعه متهمن غرب می دانستند، گمان نمی رود جز منفعت طلبان شرکت و اولیای امور انگلستان کسی این رفتارها را انسانی تلقی کند و بنابراین برتری جوئی و کبر و نخوت آنها هم به عنوان اینکه «متهمن» هستند بی ربط و ناشی از کم ظرفیتی و ضعف تربیت اجتماعی بوده است. البته اولیای امور ایران هم می بایست بیشتر به فکر اتباع خود باشند و مقدرات آنها را از جهت تأمین وسایل بدست انگلیس‌ها نسپارند، چنانکه در عربستان سعودی بموجب فرمان ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ «ارتکاب توهین شخصی خواه یدی خواه لسانی از طرف يك نفر خارجی علیه یکی از اتباع سعودی جرم محسوب شده و ریشخند کردن و تکبر فروشی و بی اعتنائی را از آن جمله محسوب داشته است که متهم محاکمه می شود و در صورت اثبات جرم به مجازات لازمه می رسد. من جمله پرداخت غرامت و در صورت لزوم تبعید از کشور (۱۷۲).

بین سالهای ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲ که قرارداد نفت تجدید شد وضع کارگران اندک بهبودی یافت. در مسجد سلیمان چند خانه برای کارمندان و کارگران ایرانی که سابقه زیادی در شرکت داشتند ساختند و در آبادان هم چون مردم خانه‌های چندی ساختند وضع منزل نسبتاً بهتر شد. با همه اینها باز وضع کارگر ایرانی اسفناک بود، زیرا از نقاط دیگر بخصوص از بنادر جنوب عده زیادی به آبادان مهاجرت کرده در تکاپوی بدست آوردن کار بودند و شرکت از این وضع استفاده بسیار می نمود و بطور کلی عده زیاد داوطلب کار، دستمزد کم و نبودن خانه، وضع زقت آوری را

۱۷۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۲۸.

۱۷۲- نفت و دولت در خاورمیانه ص ۳۳۳.



ایجاد کرده بود (۱۷۳) و با اصل صرفه‌جوئی که از طرف شرکت رعایت می‌شد سالها طول کشید تا وضع اندکی بهبود یافت. این اصل صرفه‌جوئی بسیار، قطع نظر از آنکه لازمه کار یک مؤسسه بزرگ صنعتی و تجارتي و موافق خصیصه ذاتی انگلیس‌ها و موجب درآمد صاحبان سهام شرکت بود، در قسمت اول ماده ۱۶ قرارداد جدیدنفت نیز به این صورت گنجانده و به دولت قبولانده و از ایران تصدیق گرفته شده بود. «طرفین تصدیق دارند و قبول می‌نمایند که اصلی که مدار اجرای این قرارداد می‌باشد آنست که در منافع طرفین حفظ حد اعلاى منتج بودن و صرفه‌جوئی در اداره و عملیات کمپانی در ایران ضرورت عالی دارد (۱۷۴) در صورتی که منافع طرفین همواره یکی نبوده و باهم ملازمه نداشته است که در همه جا صرفه‌جوئی بشود، از جمله در رفاه و آسایش کارمندان و کارگران و بهداشت و تعلیم و تربیت آنها.

بهر حال مشکل اساسی برای کارگران ایرانی در همه دوره‌ها مسئله مسکن بود. بهمان نسبت که عملیات شرکت توسعه می‌یافت، برعهده کارگران و بر جمعیت شهر آبادان افزوده می‌شد. از کارگران، آنها که دستمزد بیشتری داشتند، در شهر و حومه اطاقی به قیمت گزاف اجاره می‌کردند و آنان که دستمزد کمی داشتند به لانه‌ها و کپرهائی که در اطراف برپا می‌گشت هجوم می‌آوردند «حصیر آباد» و «حلبی آباد» نتیجه این هجوم بود که هزاران نفر انسان بعلت احتیاج در آن گرمای طاقت‌فرسای خوزستان در آنها زندگی می‌کردند، در حالی که برای نگهداری حیوان هم تناسب کافی نداشت (۱۷۵)، در محل کار آنها هم تا سال ۱۳۲۶ شمسی،

۱۷۳- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۲۹.

۱۷۴- نفت در دنیا - ایران ص ۱۳۵ - پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۰.

۱۷۵- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۳۵ - برای اطلاع بیشتر از وضع آبادان و مسکن کارکنان شرکت از ایرانی و غیر ایرانی رجوع فرمائید به کتاب «طلای سیاه یا بلای ایران» ص ۲۸۴ و ۲۹۹.

در تابستان سوزان خوزستان آب یخ وجود نداشت و اولیای شرکت از این هم مضایقه می‌کردند. کارمندان عادی شرکت هم که عنوان «عالی‌رتبه» نداشتند، هرچند حاضر به پرداخت اجاره یخچال و دستگاه تهویه بودند، شرکت به ایشان نمی‌داد و کرایه دادن این وسائل را اختصاص به کارمندان «عالی‌رتبه» داده بود (۱۷۶) ملاحظه می‌فرمائید از این راه هم به عده‌ای تبعیض روا می‌داشت و توهین می‌کرد، و هم از راه کرایه دادن یخچال و کولر درآمدی برای خود تحصیل می‌نمود، که چه بسا از قیمت آن چند برابر بیشتر بود.

اتوبوس‌رانی آبادان هم همین حال را داشت. این اتوبوسها متعلق به شرکت بود و بطور رایگان کارمندان را از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر می‌برد. اما تا یکی دو سال بعد از جنگ، اختصاص به کارمندان انگلیسی و معدودی از کارمندان ایرانی عالی‌رتبه شرکت داشت و این مطلب را با خط درشت روی آنها نوشته بودند. همین نوع تبعیض، چنانکه گفته شد در مورد رستوران‌ها و باشگاهها و سینماها و استخرهای شنا و سایر تأسیسات اجتماعی معمول بود. و ای بسا کاش این کارمندان عالی‌رتبه انگلیس واقعاً «عالی‌رتبه» بودند. این عده غالباً معلومات خود را در مدارس حرفه‌ای و یا در کارخانه‌ها آموخته بودند، اما چون به ایران می‌آمدند، برابری که همان کارهای آنها را انجام می‌دادند برتری می‌یافتند (۱۷۷).

سخن درباره خانه کارمندان بود که به مسائل دیگر کشیده شد. اکنون به مطلب بازگشته، گوئیم در موقع خلع‌ید، شرکت از جهت مسکن هفده هزار خانه برای کارگران و کارمندان متأهل داشت و چهار هزار اطاق برای کارگران و کارمندان مجرد. و در مقابل ۴۵۲۰ نفر کارمند خارجی داشت که چنانچه گفته شد حق تقدم در دادن مسکن با

۱۷۶- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۵۱.

۱۷۷- پنجاه سال نفت ایران ص ۴۵۵ و ۴۵۶.